

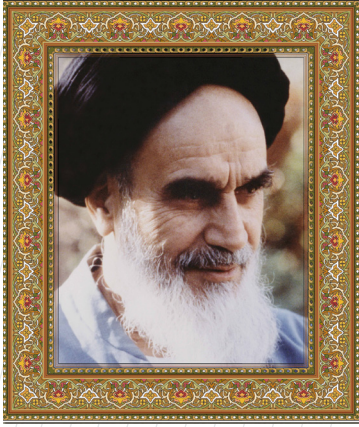
آسوه

نشریه قرآنی آسوه

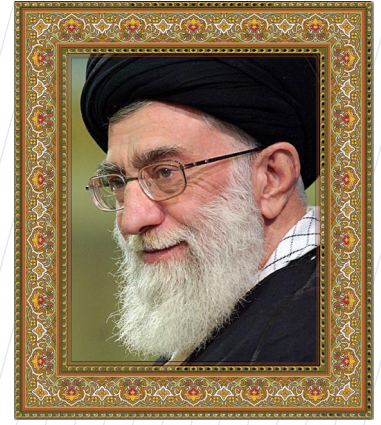
به بهانه برگزاری طرح آموزش تخصصی قاریان ممتاز نوجوان قرآن کریم

شماره دوم / زمستان ۱۳۹۳



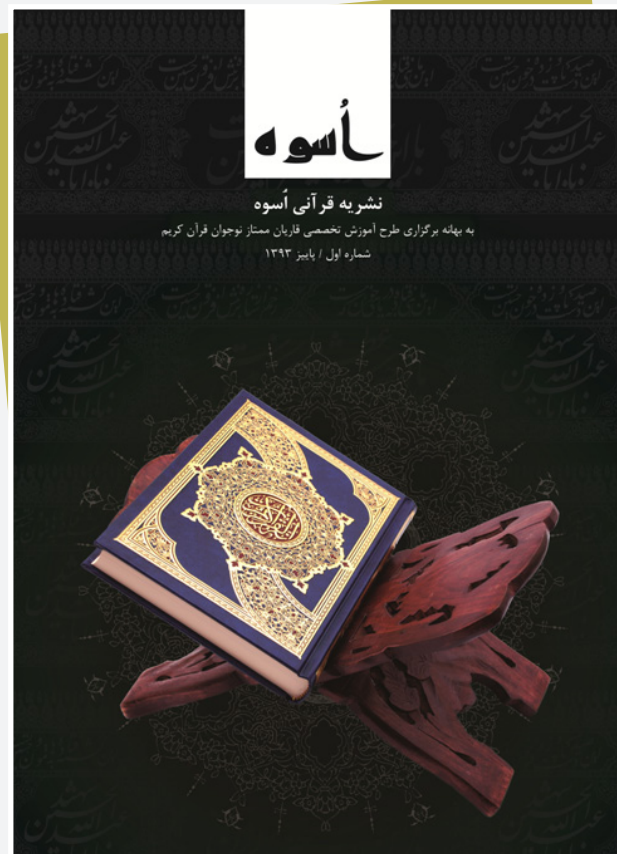


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ

احزاب / ۲۱



شماره اول نشریه
با محوریت ایام شهادت
حضرت سیدالشهدا (ع)
منتشر شد.

أسوه

نشریه قرآنی أسوه

به بهانه برگزاری طرح آموزش تخصصی قاریان ممتاز نوجوان قرآن کریم
شماره اول / پاییز ۱۳۹۳

مطالب این شماره، ویژه دهه فجر تدارک شده بود که به دلایلی، چاپ آن به تعویق افتاد.

فهرست



نشریه قرآنی اسوه

صاحب امتیاز: ستاد برگزاری طرح اسوه

زیر نظر جامعه فرهنگی قرآنی عصر

مدیرمسئول: محمدتقی میرزاجانی

سردبیر: حجت الاسلام شهابالدین غفاری

صفحه آرای: مؤسسه پارسی زبانان

باتشکر از: حجت الاسلام رسول خو برو و اسماعیل بیدکی

تلفن: ۰۲۱۶۶۴۶۴۲۰۶

پیامک: ۵۰۰۰۲۰۳۰۸۰۹۰۳۰

ایمیل: quranosveh@gmail.com

نشانی: تهران، خیابان انقلاب، خیابان فلسطین

جنوبی، نبش نوشیروان، پلاک ۲۲

طرح اسوه در چند جمله

شامل دوره‌های آموزش تخصصی هنر قرائت قرآن کریم، همراه با محتوای تربیت قرآنی ویژه نوجوانان است که از تابستان ۹۳ آغاز شده و در برنامه‌ریزی اولیه، تا تابستان سال ۹۴ ادامه دارد.

هدف این طرح، ارتقاء قاریان نوجوان در ابعاد فنی تلاوت، اخلاق و معرفت و اعتقادات دینی است.

بخش اول: از طرح اسوه چه خبر؟

- ۶ - مروری بر گذشته، نگاهی به آینده
- ۸ - راهی برای ارتقاء
- ۹ - ضرورت نخبه پروری
- ۱۱ - چند لحظه با شما!

بخش دوم: زنگ انقلاب

- ۱۷ - تاریخ انقلاب اسلامی را باید خواند
- ۱۸ - مژده پیروزی
- ۲۰ - طلوع دوباره اسلام
- ۲۱ - انقلاب ایران، زمینه‌ساز ظهور
- ۲۳ - راه امام، کلام امام

بخش سوم: اعتقادات

- ۲۵ - چرا وظیفه داریم خدا را بشناسیم؟
- ۲۵ - خدا کیست؟
- ۲۶ - پرسش و پاسخ مهدوی
- ۲۷ - من!!!
- ۲۷ - کلاغ، مأمور خدا...!
- ۲۸ - زندگی‌نامه شیخ رجبعلی خیاط

بخش چهارم: قرآن

- ۳۱ - پل صراط
- ۳۲ - صاحب تلاوت معنا محور
- ۳۳ - توصیه‌هایی از امام صادق (ع)
- ۳۴ - با برخی ضعف‌های تجویدی آشنا شویم

بخش پنجم: احکام

- ۳۷ - چگونه وضو بگیریم
- ۳۹ - وضوی ارتماسی

بخش ششم: دانستنی‌ها

- ۴۰ - منشأ شهوات و زمینه گناهان چیست؟
- ۴۲ - انار
- ۴۴ - یه بشکه خنده
- ۴۶ - مسابقه با جایزه

هدیه دومین شماره اسوه، یک لوح فشرده شامل کلیپ تصویری از مرحله اول طرح است

طلیعه



خواننده ارجمند!

سلام علیکم؛

خداوند مَنان را شاکریم که توفیق حاصل شد شماره دوم نشریه اسوه منتشر و در اختیار شما ارجمند گرانمایه قرار گیرد. این که این محمل ارتباطی، در آغاز راه موفق شد نظر شما را جلب نموده و مورد لطف تان قرار گیرد، وظیفه دست اندرکاران را سنگین تر می کند. لکن نقطه نظرات شما، تحفه ای ذی قیمت است که دریافت آن را کماکان به انتظار نشسته ایم.

بحمدلله طرح اسوه به همراه یاران خود، در حرکت و تعالی است و پس از پشت سرگذشتن مرحله اول و برنامه های غیرحضوری پس از آن، در آستانه برگزاری مرحله دوم طرح هستیم. با تدارک مناسبی که برای دوره پیش رو انجام شده، امیدواریم بتوانیم در رشد شخصیتی و فنی قاریان محترم عضو، گامی برداریم، ان شاء الله.

مدیر مسئول

یک سخن



والدین گرامی!

سلام علیکم؛

امام سجاد(ع) می فرمایند: خداوندا! در تربیت و نیکی کردن به فرزندان، ما را یاری فرما.

با اظهار ادب و احترام به محضر شما بزرگواران، خدا را شاکریم که توفیق خدمت گذاری به شما و عزیزان قرآنی تان را به ما عنایت فرمود.

داشتن فرزند صالح و قرآنی نعمتی است که شایسته حمد و سپاس خداوندی است. همان گونه که گل های باغ نیاز به مراقبت دارد، بدون شک فرزندان شما که گل های باغ زندگی شما هستند و بحمدالله معطر به عطر روح افزای قرآن کریم و معارف دین هستند در سایه پرمهر شما رشد و تعالی دارند و برای بالندگی بیشتر، نیازمند حمایت و مراقبت شما هستند.

دست اندرکاران طرح اسوه که برنامه های آموزشی و تربیتی را تدارک می کنند در راستای ایجاد انگیزه و تقویت هر چه بیشتر این هدف متعالی تلاش می کنند، لذا تقاضا داریم در این خدمت فرهنگی و معنوی، علاوه بر ادامه همکاری صمیمانه، با ارائه پیشنهادات و انتقادات ما را یاری فرمایید. همچنین از ائمه جماعات محترم و مدیران گرامی مدارس که در این مدت با ارائه پیشنهادات و انتقادات و راهکارهای مناسب ما را بهره مند نمودند تشکر نموده و همچنان منتظر استفاده از نکات ارزشمند همه بزرگواران هستیم.

سردبیر

حلاله ع

مدعی گوید که بایک گل نمی آید به بار
من گلی دارم که دنیا را گلستان می کند

از طرح اسوه چه خبر؟

به روایت مدیر طرح



محمدتقی میرزاجانی

مروری بر گذشته، نگاهی به آینده

حفظ، کلیاتی از علوم قرآنی، آداب تلاوت قرآن، بصیرت، اعتقادات و احکام.

- تعداد کرسی تلاوت برگزار شده: ۷ برنامه
- تعداد تلاوت و اذان ضبط شده توسط شبکه قرآن و معارف سیما جهت پخش از شبکه‌های سیما: ۷۰ تلاوت و ۳۰ اذان
- تعداد اردوهای زیارتی و سیاحتی: ۳ برنامه
- تعداد برنامه‌های ورزشی: ۵ نوبت
- معرفی قراء نمونه در مرحله اول طرح: در این دوره پس از گذشت چهار هفته آموزشی، ۱۱ نفر از قاریان عزیز، با توجه به ویژگی‌های شاخص شخصیتی، اخلاقی، اجتماعی و انضباطی، معرفی و تقدیر شدند. ضمناً از ۹ نفر از دوستان قاری هم، به سبب همکاری صمیمانه در امور اجرایی، با اهدای هدایایی تقدیر و تشکر شد.
- نحوه ارتباط ستاد برگزاری با قاریان عضو تا پیش از آغاز مرحله دوم:
- ۱- ارائه مشاوره تلفنی توسط مشاورین تربیتی که به ۵ موضوع اختصاص داشت: چربی و چگونگی تقلید/ بلوغ و آثار آن/ پوشش در اسلام و نماز/ نحوه استفاده صحیح از ابزارهای سمعی و بصری و مجازی/ احکام محرم و نامحرم
- ۲- طبع و نشر دو شماره نشریه اسوه و ارسال آن برای قراء، اولیاء، امام‌جماعت مسجد محل، مدیر مدرسه و استاد قرائت ایشان.
- ۳- ارسال پیامک‌های متعدد محتوایی (مناسبتی) و اطلاع‌رسانی.

در شماره نخست نشریه اسوه، گزارشی از اهداف و کیفیت اجرای مرحله اول طرح آموزش تخصصی قاریان ممتاز نوجوان قرآن کریم (اسوه) ارائه شد. در این شماره، در بخش اول با رویکردی آماری، آن‌چه را که در مرحله اول طرح و پس از آن گذشت، مرور می‌کنیم و در بخش دوم به اجمال، برنامه‌های دوره آتی بیان خواهد شد.

* بخش اول؛ مرحله اول طرح اسوه به روایت آمار:

- تعداد قاریان عضو طرح: ۳۷ نفر (استثنائاً ۱ نفر پس از برگزاری مرحله اول، به این جمع اضافه شد).
- محدوده سنی قاریان: ۱۰ تا ۱۵ سال
- پراکندگی استان‌ها: ۲۰ استان کشور
- قاریانی که از کل کشور ارزیابی شدند: بیش از ۱۱۰ نفر
- نحوه معرفی قاریان به ستاد برگزاری طرح جهت ارزیابی و پذیرش:
- ۱- از طریق معرفی اساتید قرائت در استان‌ها
- ۲- استفاده از اطلاعات موجود در نهادهای تخصصی قرآنی کشور
- زمان و مدت مرحله اول: مرداد و شهریور ۹۳ به مدت چهار هفته
- مکان برگزاری دوره: تهران، حسینیه هدایت
- تعداد اساتید دوره: ۲۰ نفر از اساتید ممتاز قرآن کریم
- سرفصل‌ها و عناوین آموزشی و تربیتی: ۱۰ سرفصل شامل؛ صوت، لحن، تجوید، وقف و ابتداء، درک معانی آیات، تدبیر و تفسیر، تلاوت از



* بخش دوم؛ نگاهی به اجرای مرحله دوم طرح:

به حول و قوه الهی، مرحله دوم طرح اسوه ۱۴ تا ۲۲ اسفند ماه ۹۳ برگزار می‌شود.

در آغاز این دوره، آزمون کتبی از دروس مرحله اول و آزمون شفاهی حفظ ۱۷ قطعه تلاوت، به عمل خواهد آمد و پس از آن در قالب کارگاهی، آموزش‌های این مرحله، به مدت یک هفته برگزار می‌شود.

در طلیعه این مرحله، اساتید قرائت قراء شرکت‌کننده از استان‌ها هم در یک برنامه هم‌اندیشی یک روزه، در تهران حاضر خواهند شد تا جهت کسب توفیق بیشتر در اجرای طرح اسوه، با ایشان تبادل نظر گردد.

۴- تماس تلفنی و مکاتبه با امام جماعت مسجد محل، مدیر مدرسه و استاد قرائت قاری عضو طرح

- کادر مدیریت اجرایی و تربیتی (در مرحله اول طرح):

مدیر طرح: محمدتقی میرزاجانی

مسئول اجرایی: حسن ابراهیم‌آبادی

مسئول پشتیبانی: کیومرث زمانی

مسئول دفتر: سجاد شاکریان

همکاران اجرایی و پشتیبانی: محمدرضا تولایی و امیرحسین زمانی

مشاورین تربیتی: حجج اسلام شهاب‌الدین غفاری و محمد علیی.

به همکاران و همراهان جدید طرح، خیرمقدم می‌گوییم:

جناب آقای اسماعیل بیدکی
مسئول هماهنگی امور اجرایی طرح



حجت‌الاسلام والمسلمین رسول خوینو
مشاور تربیتی طرح



جناب آقای سهیل مقدس
قاری عزیز نوجوان از سیرجان استان کرمان که به
جمع اسوه‌ای‌ها پیوستند





راهی برای ارتقاء

قرائت تحت آموزش جامع طولانی مدت قرار می‌گیرند تا در سن شکوفایی جوانی به نیروهای قدرت‌مندی تبدیل شوند که توان رقابت با مدعیان خارجی را دارا باشند. اگر با وضع موجود، این ۳۷ نفر پیش می‌رفتند، هر کدام تا مقطع خاصی و نه در تراز نظام اسلامی پیشرفت می‌کردند، ولی با شرکت در این دوره و کسب علم و مهارت در حوزه‌های مختلف، جایگاه ویژه‌ای به خود اختصاص خواهند داد. در صورتی که این طرح تا ۲۰ سالگی، ایشان را پشتیبانی کند و هر ساله نیز دوره جدیدی آغاز گردد، نهایتاً جریانی شفاف، علمی و مبتنی بر اصول تربیت قرآنی به وجود خواهد آمد که ثمره آن صدها جوان برومند عالم در حوزهی قرآن کریم و متخصص در حوزهی قرائت خواهد بود. علاوه بر این تجلیل از آنان در مناطق زندگی‌شان، موجب ایجاد انگیزه در نوجوانان دیگری که استعداد کافی در این حوزه دارند ولی رشد نکرده‌اند، می‌شود و سال به سال ورودی این دوره بیشتر و قطعاً افراد منتخب و نخبه‌ی بیشتری خواهیم داشت.

حمایت مسئولان نظام و همراهی خانواده‌ها و مربیان و استادان آن‌ها که نقش اصلی را دارند، می‌تواند به کیفیت این حرکت عظیم کمک شایانی کند. ارتباط مستمر استادان طرح اسوه که از بهترین‌های کشور هستند، با این قراء نوجوان در شهرشان تأثیر دوچندانی در پیشرفت آنان خواهد داشت. همکاری مدیران و دبیران مدارس آنان در طول برگزاری دوره و قبل و بعد از آن نیز کمک شایانی به موفقیت طرح می‌کند و این از آرزوهای امام امت مقام معظم رهبری مدظله‌العالی است که بارها در مورد نخبه‌پروری و قله‌پروری در این حوزه تأکید فرموده‌اند. امید است اهداف عالی این طرح، با برنامه‌ای جامع و تعامل همه عناصر مؤثر به ثمر بنشینند.

قراء به نام کشور در یک جریان آموزشی مستمر و تعریف شده قرار نگرفته‌اند، بلکه با کشف استعدادشان توسط یک استاد و یا احساس والدین‌شان و سپردن آنان به استادی، مدارج پیشرفت را طی کرده‌اند. این سبک، قطعاً نظام را به جایگاه برتر جهانی نمی‌رساند. اگرچه قراء ما تا به حال خوش درخشیده‌اند اما قلیلی از کسانی که استعداد داشته‌اند در این وادی قرار گرفته و در نتیجه تعداد اندکی به مقامات ممتاز دست یافته‌اند. در حالی که اگر از کودکی تمام کسانی که دارای استعداد هستند در روند یک برنامه جامع آموزشی قرار گیرند، طبعاً در هر مرتبه از مراحل پیشرفت تعداد قابل توجهی رقابت می‌کنند و خروجی، بسیار با کیفیت‌تر و از جهت تعداد نیز به مراتب بیشتر خواهد بود. مضافاً این امکان فراهم می‌شود که تمام علمی که یک قاری مبلّغ نیاز دارد در این مسیر به او آموزش داده شود تا به مرحله‌ای برسد که دارای اجازه شود. می‌دانیم مجموع علوم و مهارت‌هایی که یک قاری برای دریافت اجازه نیاز دارد بسیار است و تعداد کمی از استادان فعلی و قراء بین‌المللی ما دارای آن علوم و مهارت‌ها هستند. چه بسا استعدادهای برتری که ناشناخته بماند و بروز نکند که این، خسارت برای نظام است، ولی اگر راه باز باشد و افرادی که استعداد دارند با طی مراحل شناخته شوند و برای دست‌یافتن به قله‌ها تحت آموزش قرار گیرند، شرایط به مراتب بهتری از وضع کنونی خواهیم داشت.

طرح اسوه آغازی است برای این بنای مقدّس، اگرچه قبل از آن هم در سطح مقدماتی‌تر این اقدام توسط برخی نهادها شروع شده ولی با این سبک و با این برنامه‌ها برای بار اول است. این حرکت سودمند بخشی از آن برنامه جامع است که برای نمونه اجرا می‌شود. در این طرح، نخبه‌های نوجوان در حوزهی



ضرورت نخبه‌پروری

علاوه بر حیث نرم‌افزاری که به سه مؤلفه‌ی معنویت، معرفت و بصیرت توجه داشته‌ایم، از نظر سخت‌افزاری نیز پنج محیط خانواده، مسجد، مدرسه، هیأت و اردو را در این راستا مد نظر داریم. همچنین آموزش و اجرای به موقع فرایند تربیتی، یکی از مؤلفه‌های مهم دیگر است. ما بر روی نسلی کار می‌کنیم که دچار آفت‌های اجتماعی نشده‌اند و آستن دریافت بهترین محتوا هستند. بحمدالله اعتماد خانواده‌ها نیز نسبت به این مجموعه بسیار خوب بود که نوید دهنده‌ی آینده‌ی روشنی برای این طرح است. با یک نگاه کلی به فعالیت کنونی قاریان کشور، می‌بینیم که ایشان در ایفای نقش در صدور انقلاب اسلامی، رسالت خود را به صورت کامل به ظهور نرسانیده‌اند. حضرت آقا بارها خطاب به مبلغین گفته‌اند که در خارج از کشور، آیات قیام و استکبارستیزی و بیداری را بخوانید که همین‌ها صادر کننده‌ی انقلاب هستند. ما باید این دورنمای پنج ساله را جدی‌تر بگیریم و با بهره‌گیری از همه امکانات، در تربیت نسل قاریان ممتاز متخلق به اخلاق قرآنی، گامی بزرگ برداریم.

انشاءالله

یکی از مأموریت‌هایی که حضرت آقا از طیف متدینین انقلابی و با بصیرت کشورمان توقع دارند، تشکیل جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی است. دغدغه تمام کسانی که دلسوز این کشور و این انقلاب هستند باید به این جبهه متوجه باشد. پیرو فرامین رهبر معظم انقلاب، یکی از فعالیت‌های جامعه فرهنگی قرآنی عصر، با توجه به ضرورت نخبه‌پروری و الگوپروری، برگزاری طرحی برای تربیت قاریان نوجوان قرآن کریم بوده است. چشم‌اندازی که در طرح اسوه ترسیم شده، رسیدن به عناصر نخبه و انقلابی می‌باشد. انسان یک واحد است که سه مؤلفه‌ی معنویت، معرفت و بصیرت را باید با هم آموزش ببیند. در امر تربیت، این سه موضوع می‌بایست هم‌زمان و همراه باشند تا بتوان به هدف رسید. نکته مهم دیگر این است که اگر قرار باشد سفیرانی برای جمهوری اسلامی تربیت کنیم تا به کشورهای دیگر اعزام شوند و مبلغ اسلام ناب باشند، نیت و اخلاص، شروط بلافصل یک مبلغ فرهنگی است. ما در این دوره یک خط شکنی کرده‌ایم و نگاهی عمیق به بحث تربیتی داریم. تربیت طولانی مدت نکته‌ای بسیار با اهمیت است. به همین دلیل است که همین دوره طرح اسوه ان‌شاءالله پنج سال به طول خواهد انجامید.

ستاد برگزاری طرح اُسوه برگزار می‌کند:

«مسابقه کتابخوانی»

این مسابقه، ویژه خانواده (پدر، مادر، برادر و خواهر)، امام جماعت، مدیر مدرسه و استاد قرائت قاری عزیز عضو طرح اُسوه، تدارک شده است. دو کتاب برای این مسابقه در نظر گرفته شده: کتاب اول با نام «پانزده گفتار» اثر استاد شهید مرتضی مطهری که در آن، ۱۵ موضوع مهم اعتقادی، معرفتی، اجتماعی و... مورد بررسی قرار گرفته است. کتاب دوم با نام «هر روز با قرآن و عترت^(ع)» تألیف آقای سیدمهدی هاشمی است که شامل حفظ ۳۶۵ موضوع قرآن کریم می‌باشد. هر موضوع، شامل یک آیه، توضیح مختصر آن و یک روایت از حضرات معصومین^(ع) در تبیین آیه مربوط است.

این مسابقه در مرداد ماه سال ۹۴ به صورت غیرحضوری برگزار می‌شود. شرکت کنندگان - که سن‌شان می‌بایست بالای ۱۸ سال باشد - پس از رقابت با یکدیگر و کسب رتبه برتر، از جوایز بهره‌مند خواهند شد. علاقمندان می‌توانند صرفاً در مسابقه‌ی یکی از دو کتاب مورد اشاره شرکت نمایند.

برای ثبت نام، کافی است نام و نام خانوادگی شرکت کننده، نسبت وی با قاری نوجوان عضو طرح اُسوه (مانند: استاد قرائت آقای...، برادر آقای...، مدیر مدرسه آقای...) و نام کتاب مد نظر، به سامانه پیامک طرح به شماره ۵۰۰۰۲۰۳۰۸۰۹۰۳۰ ارسال شود.

شرکت کنندگان می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر و دریافت مشاوره مطالعاتی، با حجت الاسلام و المسلمین غفاری به شماره همراه (۰۹۱۹۸۵۳۲۶۱۱) تماس حاصل فرمایند.



چند لحظه با شما!



شهاب الدین غفاری

همان قرآنی که در بعضی از خانه‌ها دارد گرد و غبار می‌گیرد و فقط در ماشین آویزان می‌کنند که رسم عید نوروز است و در نهایت شب قدر روی سر می‌گذارند، به جای این که درون سرشان بگذارند! شاید سالی یک‌بار هم باز نمی‌کنند ببینند خدا چه حرف‌هایی به آن‌ها زده و چه از آن‌ها می‌خواهد!

این نکته شاید برای بعضی عادی باشد، اما واقعاً چه لطفی بالاتر از این در این دنیای زودگذر وجود دارد که سر سفره قرآن باشیم. قدر خودتان را بدانید و همیشه به خاطر این عنایتی که به شما شده خدا را شکر کنید.

امیدواریم همه شما در کف حمایت امام زمان (عج) موفق بوده و در آینده از ستارگان تابنده مذهب تشیع و موجب سربلندی و خوش‌نامی اسلام و مسلمین باشید.

ان‌شاءالله.

دوستان عزیز اسوه‌ای سلام! خوشحال هستیم که در ۱۴ اسفندماه روی مبارک و نورانی شما را می‌بینیم. همان‌طور که می‌دانید در چند ماه گذشته با شما تماس می‌گرفتیم و بعد از گفت و شنود دوستانه، لابه لای حرف‌ها یک مسأله شرعی و اخلاقی هم به شما هدیه می‌کردیم که حرف‌های مان بی‌ثمر نباشد. این ماه آخر از بعضی دوستان، براساس نوبت، زندگی‌نامه‌شان را هم پرسیدیم که در نشریه چاپ کنیم و در این به اصطلاح مصاحبه، دوستان نکات جالبی می‌گفتند که آموزنده بود. دوست داریم همه از آن نکته‌ها استفاده کنند.

مثلاً وقتی می‌پرسیدیم رمز موفقیت شما در تلاوت قرآن و انتخاب شدن تان به عنوان نخبه قرآنی استان تان چه بوده، بسیاری از ایشان اذعان می‌کردند که اهل بیت علیهم‌السلام عنایت خاصی داشته‌اند که آن‌ها توانستند در زمره‌ی قاریان قرآن قرار بگیرند؛



آشنایی با تعدادی از یاران اسوه

آقای مصطفی الوانی



۱۳ ساله

متولد بیرجند
کلاس هشتم

آقا مصطفی علاوه بر مهارت در فن تلاوت، به زبان انگلیسی هم تسلط دارند، همچنین دارای رتبه اول نقاشی در استان و نفر برتر مقاله‌نویسی استان هم هستند.

آقا مصطفی تلاوت قرآن را از سن ۶ سالگی شروع کرده و از استاد حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر مهدی الوانی، حجت‌الاسلام والمسلمین استاد دکتر محسن الوانی و استاد کوچی بهره‌مند شده است.

مهم‌ترین رتبه‌های ایشان:

نفر دوم مسابقات اوقاف استان، سال ۹۳

نفر اول اذان دانش‌آموزی سال ۹۱

نفر اول مسابقات دانش‌آموزی استان،

سال‌های ۸۹ تا ۹۳

* رمز موفقیت: توکل به خدا و توسل به

امام‌زمان(عج) و دعای خیر والدین

آقای سالار اکبرزاده



۱۴ ساله

متولد اردبیل
کلاس هشتم

آقا سالار علاوه بر مهارت در فن تلاوت قرآن در نقاشی هم مهارت دارند و تلاوت قرآن را از سن ۹ سالگی شروع کردند و از استاد کاظمی بهره‌مند هستند.

مهم‌ترین رتبه‌های ایشان:

نفر اول قرائت مسابقات دانش‌آموزی استان،

سال ۹۳

نفر سوم مسابقات اوقاف استان، سال‌های ۹۰

و ۹۲

نفر دوم استانی مسابقه مدهامتان، سال ۹۳

* رمز موفقیت: توکل به خدا و توسل به

امام‌حسین(ع) و حضرت ابوالفضل(ع)

آقای مهدی اسماعیلی



۱۵ ساله

متولد کرمانشاه
کلاس دوم دبیرستان

آقا مهدی، تلاوت قرآن را از سن ۵ سالگی به صورت عمومی شروع کردند و اساتید ایشان، استاد امین عبدی و استاد محمدرضا ابوطالبی هستند.

مهم‌ترین رتبه‌های ایشان:

نفر اول دانش‌آموزی کشوری، سال ۸۹

نفر سوم بسیج دانش‌آموزی کشوری، سال

۹۱

نفر اول قرائت استان در اوقاف، سال‌های ۸۹

تا ۹۳

* رمز موفقیت: تلاش و پشت‌کار فراوان و

حمایت پدر

آقای محمدامین بختیاری



۱۴ ساله
متولد زاهدان
کلاس هشتم

آقا محمدامین عضو گروه سرود هستند که رتبه اول استان است. در امور فرهنگی فعالیت‌های مختلفی انجام می‌دهند، از جمله مسئول کانون قرآن و عترت و ستاد احیاء امر به معروف و نهی از منکر مدرسه. آقا محمدامین از سن ۶ سالگی تلاوت قرآن را شروع کرده و استادی که بیش از دیگر اساتید از ایشان بهره برده، استاد محترم جناب آقای عباس صفدری هستند. مهم‌ترین رتبه‌های ایشان: نفر اول قرائت مسابقات دانش‌آموزی استان، سال ۹۲
نفر دوم سبک تقلیدی از استاد عبدالباسط در برنامه تلویزیونی اسراء، سال ۹۲
نفر دوم قرائت مسابقات اوقاف در استان، سال ۹۳
* رمز موفقیت: الطاف خداوند تبارک و تعالی و دعای خیر والدین و عنایات اهل‌بیت (ع)
آقا محمدامین دو توصیه به هم‌سن و سالان و دوستانش داشت: انس با قرآن کریم و عمل به واجبات دینی.

آقای سعید باقری



۱۵ ساله
متولد آذرشهر
کلاس هشتم

آقا سعید از ۵ سالگی تلاوت قرآن را به صورت عمومی شروع کرده و از اساتید محترم استاد حبیب خلیل‌زاده و استاد محمد علیزاده استفاده کردند. آقا سعید رتبه‌های معروف را به زیبایی تقلید می‌کنند و صدای ایشان از شبکه جهانی سحر پخش می‌شود. مهم‌ترین رتبه‌های ایشان: نفر سوم اذان کشوری دانش‌آموزی، سال ۹۳
نفر دوم مسابقات استانی اوقاف، سال ۹۱
نفر اول مسابقات بسیج استان، سال ۹۲
* رمز موفقیت: توسل به سیدالشهدا (ع)

آقای امیرحسین انواری



۱۵ ساله
متولد یزد
کلاس اول دبیرستان

آقا امیرحسین علاوه بر فن تلاوت در هنرهای دیگر از جمله تئاتر و نمایش‌نامه‌خوانی، خطاطی و خوش‌نویسی مهارت دارند. تلاوت را از سن هشت سالگی شروع کردند و اساتید محترمی که از ایشان بهره‌مند شدند، استاد محمدحسن حسن‌زاده و استاد علی‌اکبر کاظمی هستند. مهم‌ترین رتبه‌های ایشان: نفر اول مسابقات دانش‌آموزی کشوری، سال ۹۲
رتبه برتر جشنواره کشوری نغمه‌های آسمانی، سال ۹۱
نفر اول اوقاف در استان، سال ۹۲
* رمز موفقیت: احترام به والدین و گرایش دینی و قرآنی خانواده و تشویق ایشان

آقای امیرحسین حیدری



۱۵ ساله
متولد تهران
کلاس اول دبیرستان

آقا امیرحسین علاوه بر فن تلاوت در رشته‌های شنا، کاراته، معرق‌کاری و در سرودن شعر (تا حد مشاعره) توانایی دارند. ایشان حافظ بیست جزء قرآن هستند. تلاوت قرآن را از سن هشت سالگی شروع کردند و اساتید محترمی که بیشتر از محضرشان بهره بردند، استاد منصور قصری‌زاده، استاد سبزعلی، استاد پورزرگری و استاد عارف‌حسینی هستند.

مهم‌ترین رتبه‌های ایشان:

نفر اول قرائت مسابقات اوقاف در استان تهران، سال ۹۰

نفر دوم قرائت مسابقات کشوری جامعه‌القرآن، سال ۹۱

نفر اول استان در مسابقات دانش آموزی، سال ۹۰ و ۹۱

آقا امیرحسین برای تلاوت قرآن به جز برنامه‌هایی که در استان‌های مختلف کشور داشته، به کشور ترکیه و سوریه هم سفر کرده است.

* رمز موفقیت: الطاف خداوند و کمک و پشتیبانی والدین و اساتید محترم

آقای محمد مهدی حکمت



۱۴ ساله
متولد ایلام
کلاس هشتم

آقا محمد مهدی فن تلاوت را از سن یازده سالگی به صورت جدی شروع کردند و از اساتید محترم، استاد یاسر رجبی، استاد یاسین رجبی و استاد علی خانی بهره‌مند شدند.

مهم‌ترین رتبه‌های ایشان:

نفر دوم قرائت مسابقات اوقاف استان، سال ۹۲

نفر اول قرائت استان در مسابقه مدهامتان، سال ۹۳

نفر اول قرائت اوقاف استان، سال ۹۳
* رمز موفقیت: اعتماد به نفس، توکل به خداوند و توسل به ائمه اطهار علیهم‌السلام و پشت‌کار و تلاش فراوان

آقای احسان جعفری



۱۳ ساله
متولد اراک
کلاس هشتم

آقا احسان علاوه بر مهارت در فن تلاوت، در شنا کردن که از ورزش‌های مورد توصیه اسلام هست مهارت دارند و نفر سوم مسابقات شنای استان هستند. از سن ۸ سالگی تلاوت قرآن را شروع کردند و اساتید محترمی که وی خدمت‌شان رسیده، استاد علی‌رضا احمدی و استاد مجید جیریایی هستند.

مهم‌ترین رتبه‌های ایشان:

نفر سوم مسابقات کشوری وزارت نیرو، سال ۹۰

نفر اول مسابقات دانش آموزی استان، سال ۹۲

نفر اول قرائت مسابقات اوقاف استان، سال ۹۳

* رمز موفقیت: دعای خیر والدین و تشویق ایشان و علاقه و پشت‌کار زیاد

آقای امیرحسین رحمتی



۱۴ ساله
متولد گرگان
کلاس هشتم

آقا امیرحسین علاوه بر فن تلاوت در ساخت اشیا و اشکال با کاغذ (اریگامی) مهارت خوبی دارند و تلاوت قرآن را از سن ۸ سالگی شروع کرده و اساتید محترمی که خدمتشان رسیده، استاد محمدعلی محمدی نژاد و استاد موسی سنگدوینی هستند.

مهم‌ترین رتبه‌های ایشان:

نفر اول قرائت اوقاف در استان، سال‌های ۹۲ و ۹۳

رتبه دوم اذان اوقاف در استان، سال‌های ۹۲ و ۹۳

نفر اول قرائت دانش‌آموزی استان، سال ۹۲
* رمز موفقیت: توکل بر خدا، تشویق و دعای والدین و انجام دادن توصیه‌های اساتید

آقای سیدحمیدرضا رضوی



۱۵ ساله
متولد سبزوار
کلاس اول دبیرستان

آقا سیدحمیدرضا علاوه بر فن تلاوت در خطاطی، شنا و پینگ‌پنگ مهارت خوبی دارند.

اساتید ایشان، استاد سیدمهدی ذاکری، استاد همزه یزدان‌فر و استاد علی‌اصغر رسولیان هستند.

مهم‌ترین رتبه‌های ایشان:

نفر اول مسابقات دانش‌آموزی استان، سال ۹۰

نفر اول مسابقات اوقاف شهرستان، سال‌های ۹۲ و ۹۳

نفر چهارم تقلید از مصطفی اسماعیل در برنامه تلویزیونی اِسرائ، سال ۹۲
* رمز موفقیت: عنایت خداوند، دعای والدین و پشت‌کار و تلاش

آقای مهدی حیدری



۱۴ ساله
متولد زنجان
کلاس ششم

آقا مهدی علاوه بر مهارت، در فن تلاوت، مهارت‌های مختلفی از جمله در داستان‌نویسی، ورزش کاراته و خوش‌نویسی دارند و در ضمن نفر اول استان به عنوان کتاب‌خوان نمونه و نفر اول استان در مسابقات علمی از سال ۹۰ تا ۹۳ هم بوده‌اند. استاد تلاوت ایشان، استاد سعید امان‌لو هستند.

مهم‌ترین رتبه‌های ایشان:

نفر اول مسابقه دانش‌آموزی استان، سال ۹۰ تا ۹۳

نفر دوم قرائت اوقاف شهرستان، سال ۹۲
نفر دوم رشته اذان اوقاف در شهرستان، سال ۹۲

* رمز موفقیت: توکل به خدا و گوش دادن به دستورات قرآن و احترام به والدین

دوستان اسوه‌ای!

ان‌شاءالله در هر شماره
تعدادی از شما را
معرفی می‌کنیم.



بخش دوم:

زنک انقلاب





روز شمار انقلاب

تاریخ انقلاب اسلامی ایران را باید خواند

۱۲ بهمن ۵۷

در این روز، پس از سال‌ها که از هجران امام می‌گذشت و پس از انتظاری سرخ و سخت، امام در میان استقبال گرم عاشقان وفادار خویش بر خاک وطن قدم نهاد.

تهران، آن روز شاهد بزرگ‌ترین استقبال تاریخ بود. جمعیتی پنج میلیونی که در طی روزهای گذشته مشتاقانه از شهرستان‌ها به تهران آمده بودند، در مسیری ۳۳ کیلومتری در پیش قدم‌های مبارک امام، گل‌های سرخ و اشک‌های شوق ریختند.

۱۹ بهمن ۵۷

در این روز، نیروی هوایی در برابر امام رژه رفتند و با فریادهای افتخارآمیز «ما قطره‌ای از ارتش توایم خمینی»، وفاداری خود را به امام و امت انقلابی اعلام کردند.

۲۱ بهمن ۵۷

در این روز، دشمن کوردل که در تدارک توطئه خائنانه کودتا برای درهم کوبیدن انقلاب بود، ساعات منع عبور و مرور را از چهار و نیم بعدازظهر تا ساعت دوازده روز بعد اعلام کرد. رهبر خردمند انقلاب، حضرت امام خمینی^(ع)، به مردم دستور دادند که به اعلامیه حکومت نظامی توجه نکنند و تا پیروزی نهایی، همچون روزهای قبل به خیابان‌ها بریزند. جنگ خونین گارد شاهنشاهی با نیروی هوایی آغاز شد و مردم مسلح به یاری افراد نیروی هوایی شتافتند.

۲۲ بهمن ۵۷

در این روز، سقوط نظام ۲۵۰۰ ساله استبداد و پایان شب سیاه ستم تحقق یافت و نغمه دل‌انگیز «در بهار آزادی، جای شهدا خالی» همه جا طنین‌انداز شد. در این روز، امام امت، شراب مرگ به کام شاهان ریخت، سلطه را به قبرستان سلطنت سپرد و کنگره‌های قصر استکبار را ویران کرد. در این روز، نفس‌های سبز بهاری در تنمان جاری شد. ۲۲ بهمن، ستم نابود شد، پلیدی رفت و تباهی و سیاهی رخت بر بست. شادی و سرور به خانه‌ها آمد، استقلال نصیب ما شد و نور جمهوری اسلامی دمید. در ۲۲ بهمن، باغچه‌ها مان گل داد، دل‌ها مان شادمان شد و مردم ما جشن پیروزی برپا کردند. در این روز، ما به همه خیرها، امیدها و خوبی‌ها نایل شدیم.



تاریخ انقلاب را باید با قلمی خون نگار بر صفحه جان‌ها نوشت و با دیده عبرت مطالعه کرد. تاریخ انقلاب را باید نوشت تا آیندگان بفهمند که این انقلاب و میوه پر طراوت آن، یعنی نظام اسلامی آسان به دست نیامده و در پای واژه واژه این کتاب مقدس، خون پاک‌ترین و رشیدترین فرزندان این ملت ریخته شده است. تاریخ انقلاب را باید حفظ کرد، تا آنان که در «فجر» چشم به جهان گشوده‌اند و در «روشنایی» پا گرفته‌اند، قدر نعمت «روز» را بدانند و تصویری از سیاهی «شب» در ذهن خویش داشته باشند. تاریخ انقلاب را باید نگاشت و هر روز آن را مرور کرد تا موریانه‌های غفلت از درون تهی‌مان نکنند. تاریخ انقلاب را باید برای نسل جوان انقلاب خواند تا بدانند که نیاکان‌شان برای پیروزی و تداوم آن، چه خون دل‌ها خورده‌اند، چه شکنجه‌ها و مارت‌ها و تبعیدها به جان خریده‌اند. باید به نسل جوان و نسل انقلاب یادآوری کرد تا میراث گران‌سنگ انقلاب را ارزان از دست ندهند و آن را در پای دنیاخواهی و شهوت‌طلبی قربانی نکنند.

۲۶ دی ۵۷

پس از ۲۶ دی ۱۳۵۷، درست ۲۶ روز تاریخی بر ملت ایران گذشت تا در ۲۲ بهمن ماه، انقلاب شکوهمند اسلامی که ثمره خون پاک شهدای انقلاب بود به پیروزی رسد.

۲۶ دی، روز تاریخی برای ملت ایران بود، ملت ایران توانست طاغوت پر نخوت زمانه را که ۳۷ سال غاصبانه و به زور بر مال و منابع آن‌ها حکومت کرده بود مجبور به فرار کنند. شادی و شمع پس از شنیدن این خبر در سراسر ایران دیدنی بود. ملت ایران شاه ظالمی را که تا آن روز دست پلیدش به خون پاک ملت ایران آلوده شده بود، فراری داد و خاطره آن روز طی ۳۷ سال گذشته هرگز از ذهن ملت فراموش نشده است.

از آن‌جا که امام همواره بازگشت به ایران را منوط به خروج شاه از کشور اعلام کرده بود، فرار شاه برای ملت ایران یک گام رو به جلو به شمار می‌رفت و پس از خروج شاه، شکوه پوشالی او و همه طرفداران و همراهانش شکست و خبر بازگشت قریب‌الوقوع امام خمینی نیز در رسانه‌های خبری انتشار یافت و دیری نپایید که امام آمد، ۱۲ بهمن تنها ۱۶ روز پس از فرار شاه، امام با پرواز انقلاب آمد...



مژده پیروزی

سال‌ها بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، یک روز در ارومیه شنیدم که آیت الله خزعلی در یک سخنرانی عمومی مطلبی به این مضمون گفته است: «امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در جریان پیروزی انقلاب دو بار به رهبر انقلاب، امام خمینی پیام پیروزی داده‌اند و هدایت فرموده‌اند و این دو پیام به وسیله شخصی بزرگوار و معنوی (عارف بزرگ جناب آقای لطیفی) که ساکن تهران است و من او را می‌شناسم به امام خمینی ابلاغ گردیده است». این مسئله برای من خیلی عجیب آمد و سعی کردم به حقیقت آن پی ببرم. تا این که چند ماه بعد در مجلس خبرگان، آیت الله خزعلی را دیدم و در آن مورد از ایشان سؤال کردم. آقای خزعلی مسئله را کاملاً تأیید کرد. گفتم: پس اگر من این موضوع را کتبی برای شما بنویسم، جواب مکتوب می‌نویسید؟ گفت: بله، مانعی ندارد. شما بنویسید، من هر دو قضیه را در جواب شما می‌نویسم. من نوشتم: «بسم الله الرحمن الرحيم. حضرت آیت الله خزعلی دامت برکاته! سلام علیکم و رحمه الله. راجع به این که آقای لطیفی دو دفعه مژده پیروزی را از طرف امام زمان (عج) برای امام آورد، توضیح فرمایید.» ایشان با خط خود در جواب نوشت: «بسم الله الرحمن الرحيم! پیام به پاریس که فرمودند: شاه می‌رود، نگران نباشید! امام راحل سؤال می‌کند: با خون‌ریزی یا بی‌خون‌ریزی؟ [آقای لطیفی] می‌گوید: امام زمان (عج) فرمود: بی‌خون‌ریزی!»

روز ۲۱ بهمن، پیامی مبنی بر این که در خانه نمانید، بیرون بریزید و گرنه کشته خواهید شد! به وسیله همین پیام آقای لطیفی از جانب امام زمان (عج)، امام خمینی اعلام فرمود به حکومت نظامی اهمیت ندهید و بریزید بیرون. در نتیجه مردم تهران بیرون ریختند، حتی خانواده‌های خود را آوردند و در خیابان‌ها نشستند، دیگر در تهران به هیچ‌وجه امکان آمدن تانک و امثال این‌ها نبود؛ بنابراین آن توطئه خطرناکی که در نظر بود تا صدها تانک را وارد تهران کنند و با خون‌ریزی انقلاب را از بین ببرند و محل اقامت امام را بمباران نمایند، منتفی شد. اسناد کودتای گسترده طراحی شده برای این روز، پس از پیروزی انقلاب به دست آمد و معلوم شد با دستور

پرچم را به صاحب پرچم می‌سپاریم!

علی محمد بشارتی، وزیر اسبق کشور نقل می‌کند: «در تابستان سال ۵۸، هنگامی که مسئول اطلاعات سپاه بودم، گزارشی داشتیم که یکی از مخالفان انقلاب در مشهد گفته است: من بالاخره علیه امام اعلام جنگ می‌کنم! من خدمت امام رسیدم و ضمن ارائه گزارش، خبر مذکور را هم گفتم. ایشان سرش پایین بود و گوش می‌داد، این جمله را که گفتم سر بلند کرد و فرمود: «این‌ها چه می‌گویند! پیروزی ما را خدا تضمین کرده است. ما موفق می‌شویم! در این جا حکومت اسلامی تشکیل می‌دهیم و پرچم را به صاحب پرچم می‌سپاریم. پرسیدم: خودتان؟ امام سکوت کردند و جواب ندادند.»

(محمدی ری‌شهری، کیمیای محبت، ص ۷۲؛ و محمد دشتی، آینده و آینده‌سازان)

امام مبنی بر حضور در خیابان‌ها کاملاً امکان آن کودتا از بین رفته است. [این موضوع را آقای خزعلی، هم شفاهی شهادت داد و هم به صورت کتبی نوشت و تأیید کرد.

مسئله دیگر در همین موضوع، ایشان در آن خاطره می‌گوید: «ما روز ۲۱ بهمن ۱۳۵۷ در منزل آیت الله طالقانی نشسته بودیم. به ایشان گفتند: امام پیام داده که مردم در خانه‌های خود نمانند، بیرون بریزند و به حکومت نظامی اهمیت ندهند. آقای طالقانی گفت: امام مدت پانزده سال از ایران دور بوده‌اند و توجه ندارند که این دژخیمان رژیم چه بی‌رحم هستند. اگر مردم بیرون بریزند، همه را قتل عام می‌کنند؛ بنابراین صلاح در آن است که در منازل و خانه‌ها بنشینیم، ببینیم عاقبت کار چه می‌شود. بعد مرحوم طالقانی با امام حدود نیم‌ساعت تلفنی گفت و گو کرد تا شاید امام را قانع کند که مردم را از خانه‌هایشان بیرون نیاورند. ما حرف‌های آقای طالقانی را شنیدیم که سعی داشت امام را هر طور شده، از تصمیم خود مبنی بر بیرون آمدن مردم از خانه‌ها و اهمیت ندادن به حکومت نظامی، منصرف نماید. تا این که آقای طالقانی گوشی را گذاشت و در گوشه‌ای زانوانش را بغل گرفت و ساکت ماند. حتی سرش را روی زانوانش تکیه داد و به فکر فرو رفت. ما با خود گفتیم حتماً امام حرفی زده و مثلاً به ایشان گفته شما دخالت نکنید و...؛ بنابراین آقای طالقانی ناراحت شده است. اما چیزی نگفتیم تا این که ایشان یک دفعه سرش را بلند کرد و به حالت طبیعی و عادی برگشت. سؤال کردیم: آقا چه شده؟ آیا امام به شما پرخاش کردند یا حرفی گفتند که شما ناراحت شدید؟ آقای طالقانی گفت: نه، نه، اصلاً مسئله این نیست. من اصرار کردم که امام اعلامیه‌هایش را پس بگیرد و امام هرچه می‌گفت، من قانع نمی‌شدم، در آخر فرمود: آقای طالقانی، اصرار نکن، احتمال بده که این دستور از طرف امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است. تا امام این جمله را گفتند، من به خود لرزیدم و بی‌اختیار گوشی را گذاشتم و حالم دگرگون شد.»

خاطرات آیت الله سیدعلی اکبر قرشی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی



اکثر ملت ما جوانانی هستند که دوران زندگی پربار امام بزرگوار را درک نکرده‌اند؛ یا متولد بعد از وفات آن بزرگوار هستند یا در دوران ده ساله‌ی حیات مبارک امام بزرگوار، پسر بچه‌ها و دختر بچه‌های خردسالی بودند؛ اما همین جوان‌های مؤمن و نورانی در سرتاسر کشور آن‌چنان به امام و یاد او و نام او عشق می‌ورزند که گوئی از هم‌صحبتی با امام برخوردار بوده‌اند.

حضرت آیت الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

دوستان!

فکر می‌کنید وظیفه ما
در قبال انقلاب
چیست؟



طلوع دوباره اسلام

ایران خانه شیعه ما است!

در دوران جنگ جهانی اول و اشغال ایران توسط قوای انگلیسی و روسی، که حملات و هجوم‌ها به ملت شیعه اوج گرفته بود، مرحوم آیت الله نائینی خیلی پریشان بودند و نگران از این‌که این وضع به کجا خواهد انجامید، نکند که این کشور محبت و دوستار امام زمان^(ع) از بین برود و سقوط کند. در همین زمان‌ها، شبی به امام عصر^(ع) متوسل می‌شوند و در حال توسل و گریه و ناراحتی به خواب می‌روند و خواب می‌بینند که دیواری است به شکل نقشه ایران و این دیوار شکست برداشته، خم شده و در حال افتادن است. در زیر این دیوار، یک عده زن و بچه نشسته‌اند و دیوار دارد بر روی سر این‌ها خراب می‌شود. مرحوم نائینی وقتی این صحنه را می‌بیند به قدری نگران می‌شوند که فریاد می‌زند و می‌گوید: خدایا! این وضع به کجا خواهد انجامید؟ در این حال می‌بینند که حضرت ولی عصر^(ع) تشریف آوردند و انگشت مبارک‌شان را به طرف دیواری که خم شده و در حال افتادن بود، گرفتند و آن را بلند کردند و دوباره در جای خودش قرار دادند. سپس فرمودند: «این‌جا خانه شیعه ماست! می‌شکند، خم می‌شود، خطر هست، ولی ما نمی‌گذاریم سقوط کند، ما نگاهش می‌داریم.»

از کتاب «عنايات خاص حضرت مهدی به علما و طلاب»
نوشته محمدرضا باقی اصفهانی

در بهمن ماه ۵۷، جهان شاهد تحولی شگرف و انقلابی عظیم و مردمی در تاریخ بود. قیام ملتی مصمم و یکپارچه با قلب‌هایی سرشار از عشق و ایمان. رهبری بزرگ، پس از سال‌ها دوری از وطن، قدم بر خاک گلگون میهن گذاشت و آزادی و استقلال را نصیب امتی خداخواه کرد. امام آمد و عظمت، شرافت و افتخار به همراه آورد و به فرموده مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله خامنه‌ای «امام آمد تا به نام خدا سفینه نجات خلق را از میان لجه‌ای خون به ساحل پیروزی رهنمون شود و بدین‌سان بهمن ۵۷ طلوع دوباره اسلام ناب محمدی^(ص)، تجدید حیات مستضعفان و خشنودی حضرت ولی عصر، مهدی موعود^(عج) را نوید داد.»

طنین انقلاب اسلامی

طنین انقلاب اسلامی به دلیل درون‌مایه دینی و زیربنای غنی فرهنگی آن همراه با آهنگ موزون و جان بخش امام خمینی^(ع)، به سرعت در گستره جهان گوش‌ها را نوازش داد و قلوب انسان‌های مشتاق حقیقت و تشنه معنویت را به آبخور زلال تفکر اسلامی رهنمون شد. این انقلاب عظیم و کم نظیر اسلامی در اندک زمان، با وارد کردن اسلام در صحنه سیاست بین‌الملل، توانست معادلات قدرت را در جهان تغییر دهد و آن را به عنوان نیروی سیاسی و فرهنگی جدیدی در مرکز توجهات جهانی قرار دهد.





انقلاب ایران، زمینه ساز ظهور

آن که امام زمان باشد تسلیم می‌کنند، (ایرانیان) آن‌گاه که تجهیزات حکومت خود را به دست توانای حضرت می‌سپارند، آن حضرت را کمک می‌رسانند تا بر تمام جهان مالکیت و تسلط یابد و سرتاسر جهان را از عدل و داد لبریز سازد. (کتاب الملاحم والفتن، سید ابن طاووس)

هم‌چنین در روایتی دیگر از امام محمد باقر^(ع) با بیانی مشابه فرمایش پیامبر اسلام^(ص)، چنین فرموده‌اند: «گویا می‌بینم گروهی از مشرق زمین (بنا به فرموده علما، منظور از مشرق زمین در روایات، سرزمین ایران است) خروج کرده‌اند و حق را طلب می‌کنند؛ ولی به ایشان نمی‌دهند... تا این‌که همگی قیام می‌کنند (و حکومت تشکیل می‌دهند) و آن را جز به صاحب شما (حضرت مهدی) تحویل نمی‌دهند. کشته‌های آن‌ها شهیدند. آگاه باشید اگر آن زمان را درک می‌کردم، خودم را برای صاحب این امر آماده نگه می‌داشتم.» (کتاب غیبت نعمانی، حجت‌الاسلام والمسلمین ری شهری)

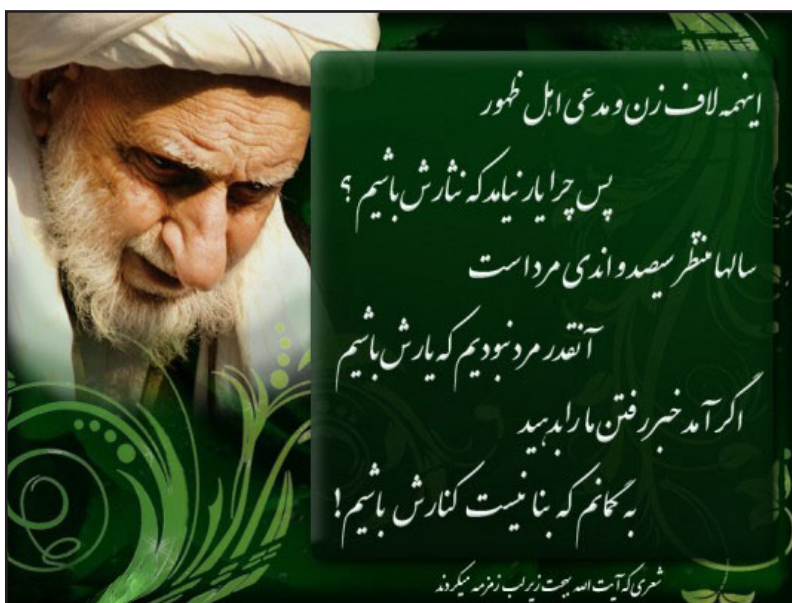
امام موسی کاظم^(ع) در سخنی می‌فرماید: مردی از اهل قم به پا می‌خیزد، مردم را به حق فرا می‌خواند؛ گروهی مثل پاره‌های آهن، گرد او جمع می‌شوند؛ تندباد حوادث آنان را نمی‌لغزاند و از جنگ خسته نمی‌شوند و نمی‌ترسند و بر خدا دل می‌سپردند و پایان خیر، از آن پارسایان است.

(بحار الانوار، ج ۵۷)

مجموعه روایات وارده در مورد ایرانیان نشان می‌دهد که این گروه، زمینه‌سازان حکومت حضرت مهدی^(عج) در جهان هستند و بیشترین تأثیر را در روند استقرار حکومت آن خورشید عالم‌تاب دارند و در حقیقت حضرت مهدی^(عج) به همراه یارانی از جمله ایرانیان، با دشمنان به مبارزه برمی‌خیزد. در بین روایات اسلامی، به روایاتی بر می‌خوریم که شرایط و وقایع عصر ظهور را توصیف کرده‌اند. یکی از این وقایع، قیام مردی از قم می‌باشد که در عصر ظهور، مردم را به حق دعوت می‌کند و با حمایت آنان و با استعانت از پروردگار متعال، نهضت عظیمی را برپا می‌دارد که هیچ دشمنی یارای نابودی آن را ندارد. (کتاب عصر ظهور، تألیف علی کورانی عاملی، ترجمه مهدی حقی)

اینک اشار‌های کوتاه به برخی از روایات

رسول خدا^(ص) فرمودند: به زودی بعد از من، اهل‌بیتم در شهرها و سرزمین‌ها آواره و پراکنده خواهند شد تا آن‌که پرچم‌هایی از مشرق (ایران) به اهتزاز درآید، آن‌ها پرچم‌های هدایت‌اند و آن را به دست مردی از اهل‌بیتم که هم‌نام من است، می‌سپارند. او مالک زمین می‌گردد و آن را پر از عدل و داد می‌گرداند، پس از آن‌که از ظلم و بی‌داد پرشده باشد. دولت و حکومتی اسلامی برپا می‌کنند و پرچم‌دار هدایت در سراسر جهان می‌گردند و پرچم این حکومت را به صاحب اصلی



مهدی حیدری
چند مطلب خوب
برای ما ارسال
کرده که این
عکس، یکی از
آن‌هاست.
ممنونیم آقا مهدی





راه امام، کلام امام

ما با خواست خدا، دست تجاوز و ستم همه ستمگران را در کشورهای اسلامی می‌شکنیم و با صدور انقلاب‌مان که در حقیقت صدور انقلاب راستین و بیان احکام محمدی است، به سیطره و سلطه و ظلم جهان‌خواران، خاتمه می‌دهیم و به یاری خدا، راه را برای ظهور منجی، مُصلح کل و امامت مطلق حق، امام زمان - ارواحنا فداه - هموار می‌کنیم.



با اتکای به خدای تبارک و تعالی و پشتیبانی صاحب این کشور، امام زمان (سلام الله علیه) این مقصد را به آخر برسانید و خواهید رساند.



در چنین روز فرخنده‌ای (۲۲ بهمن) حق بر باطل و جنود رحمانی بر اولیای شیطان و حزب الله بر طاغوت و طاغوتیان غلبه نمود و حکومت عدل اسلامی مستقر گردید و دست انتقام حق از آستین ملت رزمنده ایران بیرون آمد و نصرت اعجاز‌آمیز اسلام بر کفر تحقق یافت.



در چنین روز مسعودی (۲۲ بهمن)، همبستگی قشرهای ملت دلیر روزافزون [شد] و ارتش و سایر قوای انتظامی وفاداری خود را به اسلام و ایران نشان دادند و میهن خود را از شرّ طاغوت‌های زمان که در رأس آنان دولت آمریکاست رهایی بخشیدند.



این اعجاز بزرگ قرن و این پیروزی بی نظیر و این جمهوری اسلامی محتاج به حفظ و نگهداری است.



انقلاب اصیل ماجلوه ای از نهضت پر عظمت حضرت رسول الله (ص) است.



خون شهیدان، انقلاب و اسلام را بیمه کرده است.

اعتمادات



خدای من!
در هر ثانیه‌ای که می‌گذرد...
بی‌شمار نعمت بر من ارزانی کردی!
تپش قلب...
دم و بازدم...
دیدن...
شنیدن...
نبض زدن!
پلک زدن!
فکر کردن!
و...
و...
و چقدر بی‌تفاوت می‌گذرم...
و از نداشته‌هایی که صلاحم نبوده...
پیش‌ت گله و شکایت می‌کنم!!!

چرا وظیفه داریم خدا را بشناسیم و دین دار باشیم؟

اگر روزی بخواهید به همراه پدر و مادر یا دوستان، به یکی از استان‌های شمالی مسافرت کنید و در همان زمان حرکت، رادیو اعلام کند هوای آن استان سرد و برفی خواهد بود، وقتی این خبر را شنیدید چه می‌کنید؟ آیا لباس گرم بزنمی‌دارید؟ آیا وسیله‌های لازم جهت محافظت خود از سرما را بزنمی‌دارید؟ اگر وقت حرکت چند نفر بگویند هوای آن جا سرد و برفی است باور نمی‌کنید؟ با شنیدن این خبر هر آدم عاقلی خودش را مجهز می‌کند و برای سفر، لوازم مورد نیاز را به همراه می‌برد. خداشناسی نیز چنین است، زیرا که ۱۲۴۰۰۰ نفر از بهترین و راستگوترین افراد روی زمین، یعنی پیامبران، یکی پس از دیگری آمده‌اند و گفته‌اند: ای مردم خدا را بشناسید و خودتان را برای سفر طولانی آخرت آماده کنید. اگر خودتان را برای این مسافرت آماده نکنید سقوط به قعر جهنم... حالا با شنیدن حرف این همه پیامبر راستگو، نباید خدا و صفات خدا را بشناسیم و خودمان را برای سفر آخرت آماده کنیم؟ هیچ عاقلی شک ندارد که با دیدن این همه آثار خداوند در روی زمین و با سخنان پیامبران راستگو همه ما وظیفه داریم خدا را بشناسیم.

خدا کیست؟

شاگرد: استاد! سؤالاتی دارم که ذهن مرا مشغول کرده است. اولین سؤال این که می‌خواهم بدانم خدا کیست؟ استاد: آفرین بر تو که می‌خواهی خدا را بشناسی و درباره او بیشتر بدانی! با توجه به سن و سالت باید اصول دین را کاملاً یاد بگیری؛ و باید در راه شناخت خدای بزرگ و مهربان، از همین حالا تلاش کنی و سؤال‌های خودت را از کسانی که جواب آن‌ها را می‌دانند بپرسی. خُب عزیزم. فکر می‌کنم با بیان چند مثال، پاسخ سؤالت کاملاً روشن شود. وقتی وارد مدرسه‌ای می‌شوی، مدیری را می‌بینی که آن‌جا را اداره می‌کند؛ وقتی وارد باغ می‌شوی، باغبانی را می‌بینی که مشغول آبیاری و رسیدگی به درختان است؛ وقتی وارد شهری می‌شوی، شهرداری اداره شهر را به عهده دارد؛ وقتی به ارتش وارد شوی، فرماندهی را می‌بینی که همه سربازانش گوش به فرمان او هستند؛ وقتی به کارخانه‌ای بروی، می‌بینی که آن‌جا هم ریسی دارد که کارخانه زیر نظر اوست؛ اگر بخواهم خدا را برای تو خیلی آسان معرفی کنم، باید بگویم خدا، هم آفریننده این دنیا و هم اداره‌کننده و فرمانده و رییس آن است. (در آیه ۳۲ سوره ابراهیم می‌خوانیم: خدا همان کسی است که آسمان و زمین را آفرید و آبی از آسمان فرو فرستاد و به وسیله آن، میوه‌هایی را برای روزی شما (از زمین) بیرون آورد و...) تمام موجوداتی که می‌بینی آفریده خدا هستند و اداره جهان بزرگی که در آن زندگی می‌کنیم با خداست. بارش باران، رویش گیاهان، زندگی و مرگ جانوران، طلوع و غروب خورشید و ماه و ستارگان، پرواز پرنده‌گان، خزیدن خزندگان و تمام حوادث بزرگ و کوچک دنیا به خواست و اراده خدا و زیر نظر اوست. ما انسان‌ها نیز آفریده او هستیم. خدا برای آن که خودش را به ما معرفی کند، هزاران پیامبر فرستاده است. آخرین پیامبری که او فرستاده حضرت محمد^(ص) است. پس از ایشان هم امامان عزیز ما مسئولیت معرفی خدا را بر دوش گرفته‌اند. برای آن که خدا را بهتر بشناسیم، او قرآن را نیز در اختیار ما قرار داده است. سوره‌ها و آیه‌های قرآن هر کدام به شکلی خدا را به ما معرفی می‌کنند. قرآن کریم، خدا را آفریننده جهان، مهربان، بخشنده، دانا، قوی، روزی دهنده، کامل و آگاه از همه چیز معرفی کرده است. بهترین راه آشنایی با خدا، خواندن قرآن و تفکر در آیات آن، مطالعه سخنان پیامبر و امامان^(ع) و تماشای جهان بزرگ و زیبایی است که او آفریده است.

می‌دانستید خداشناسی
یا همان توحید که یکی
از اصول دین است،
قابل تقلید نیست؟

پرسش و پاسخ مهدوی

◆ پرسش: چرا به امام مهدی (عج)، «اباصالح» می گویند؟

پاسخ: این که چرا به امام دوازدهم اباصالح می گویند چند قول بیان شده است:

الف. در زمان ظهور و حاکمیت او، همه جا را صلح و دوستی فرا می گیرد و او پدر صلح می باشد.

ب. در قرآن، آینده زمین برای صالحان رقم خورده است (انبیاء/۱۰۵) و او چون امام و به تعبیر دیگر پدر معنوی صالحان است، لذا به ایشان «ابا صالح» می گویند.

ج. زیرا او فریادرس درماندگان و نیازمندان است. در برخی تعابیر آمده است که در موقع گرفتاری از لفظ یا «ابا صالح» مدد بگیرید، مشکل شما حل می شود.

◆ پرسش: چرا از القاب آن حضرت، «قائم» است؟

پاسخ: رسول خدا (ص) این نام را برای حضرت مهدی (ع) به کار بردند: «هرکس قائم از فرزندان مرا در زمان غیبت او انکار کند، مرگ او مانند مرگ جاهلیت خواهد بود.»

(منتخب الاثر، ص ۶۲۵)

امام باقر (ع) می فرماید: «پس از شهادت امام حسین (ع) و واقعه عاشورا، ملائکه آسمان آرامش نداشتند و خدا به آنها وحی نمود که آرام باشید، به عزت و جلالم قسم که انتقام آنها را خواهم گرفت. سپس امامان از فرزندان حسین (ع) را به آنها نشان داد و یکی از آنها را که ایستاده و در حال نماز بود، نشان داد و فرمود: به این شخص قائم، انتقام خواهم گرفت.» نکته قابل توجه این که انتقام الهی به صورت برپایی عدل در تمام جهان به دست حضرت مهدی (عج) و برقراری حکومت صالحان و شکست ظالمان به حقیقت خواهد پیوست و این خود جلوه‌ای از رحمت بی‌منتها و کامل خداوند است که شامل جهانیان خواهد شد.

همچنین به او قائم می گویند: زیرا قیام به حق می کند و حاکمیت عدل الهی را در جهان برقرار می سازد.

◆ پرسش: چرا توصیه شده وقتی نام حضرت قائم بیان می شود باید بلند شویم؟

پاسخ: وجود دو روایت، دلیل چنین کاری است که یکی، قول امام و دیگری، فعل و عمل خود امام است. امام صادق (ع) فرموده است: «هنگام ذکر نام قائم، شیعیان بایستند و از خدا تعجیل فرج را طلب کنند.»

(منتخب الاثر، ص ۶۴۱).

امام صادق (ع) سبب این کار را فرموده است: «زیرا غیبت ایشان طولانی است و چون رأفت امام به کسانی که دوستش دارند، زیاد است، هرکس او را به این لقب - که اشاره به دولت ایشان دارد و حسرت بر غربت ایشان را می رساند - یاد کند، امام به او نظر می کند و از جمله چیزهایی که نشان تعظیم است، برخاستن بنده هنگام نگاه کردن مولا به او است.»

(منتخب الاثر، ص ۶۴۱).

درباره امام رضا (ع) نقل شده است: «امام رضا (ع) دستشان را بر روی سرشان قرار دادند و متواضعانه ایستادند و برای فرج امام مهدی (ع) دعا کردند.»

(منتخب الاثر، ص ۶۴۰).

از این روایات معلوم می شود، برخاستن، نشان تعظیم و احترام و بزرگ شمردن امام (ع) است.

◆ پرسش: آیا ما به زمان ظهور نزدیک هستیم؟

پاسخ: ما به علت آن که از علم محدودی برخورداریم، نمی دانیم همه شرایط فراهم شده است یا خیر و لذا نمی توانیم به صورت قاطع چیزی بگوییم. اما این امید را داریم که زمان ظهور نزدیک شده باشد. البته مطالبی که در باب انقلاب گفتیم این احتمال را بیشتر می کند، از این رو ما وظیفه داریم آمادگی ظهور را همیشه در خود حفظ کنیم.

من!!!

عابدی شبانه‌روز مشغول دعا و نیایش به درگاه پروردگار بود و به ندرت از عبادت‌گاه بیرون می‌آمد. یک روز که برای کاری از محل استقرارش خارج شد، شیطان داخل عبادت‌گاه رفت و در را به روی خود بست. وقتی که عابد بازگشت و در را بسته دید تعجب کرد. شیطان از پشت در پرسید: «کیست؟» عابد جواب داد: «من!» شیطان دوباره پرسید: «کیست؟» و عابد باز هم گفت: «من!» در آخر شیطان در را باز کرد و به او گفت: «من هم عمری مشغول نیایش و ستایش خدا بودم، ولی یک‌بار گفتم: «من»، و برای همیشه از درگاهش رانده شدم...

کلاغ، مأمور خدا...!

در زمان‌های قدیم، دختری به نام شادی، برای مردم ده نان می‌پخت. مردم هر روز می‌آمدند و از شادی، نان می‌خریدند. روزی از روزها که کنار تنور نشسته بود و نان می‌پخت، یک‌دفعه دید کلاغ سیاهی به طرفش پرواز می‌کند، کلاغ سیاه نزدیک‌تر شد، یک نان به منقارش گرفت و پرواز کرد. روز بعد و روزهای بعد هم کلاغ می‌آمد و این کار را تکرار می‌کرد. تا چهل روز کار کلاغ همین بود، تا این‌که شادی برادرش را خبر کرد و گفت: چهل روز است که کلاغ می‌آید و یک نان با خود می‌برد، می‌خواهم دلیل این کارش را بدانم! برادرش اسب خود را آماده کرد و به خواهرش گفت: از امروز کلاغ را تعقیب می‌کنم. کلاغ مثل هر روز، نان را برداشت و رفت. برادر شادی هم با اسب به دنبالش می‌رفت. یک‌دفعه دید کلاغ نان را در چاهی انداخت و از آن محل دور شد. برادر شادی نزدیک چاه رفت. در آن‌جا صدایی شنید، طنابی را به داخل چاه انداخت و خودش به وسیله آن، به ته چاه رفت و دید مردی درون چاه نشسته و نان می‌خورد، او را از چاه بیرون آورد. وقتی که کمی استراحت کردند، برادر شادی، ماجرای کلاغ را تعریف کرد و مرد هم گفت: من چهل روز پیش، داخل این چاه افتاده بودم، در چاه آبی وجود داشت و هر روز نانی برای من فرستاده می‌شد، حالا می‌فهمم که خداوند به آن کلاغ مأموریت داده بود که برای نجات جانم آن نان‌ها را داخل چاه بیندازد. سپس دست‌هایش را به سمت آسمان بلند کرد و خدا را شکر کرد و رو کرد به برادر شادی و گفت: «هیچ‌کدام از کارهای خداوند بی‌دلیل و حکمت نیست!»



زندگی‌نامه شیخ رجب علی خیاط

آن یری عبده تعباً فی طلب الحلال؛ خداوند دوست دارد که بنده خود را در راه به دست آوردن روزی حلال، خسته ببیند.»

ناصرالدین شاه در برزخ

در رابطه با وضعیت ناصرالدین شاه قاجار در عالم برزخ، یکی از شاگردان شیخ از ایشان نقل کرد: «روح او را روز جمعه‌ای آزاد کرده بودند و شب شنبه ملائکه عذاب، او را با هل دادن، به جایگاه خود می‌بردند، او با گریه به مأموران عذاب التماس می‌کرد و می‌گفت: «نبرید!» هنگامی که مرا دید به من گفت: اگر می‌دانستم جایم اینجاست در دنیا خیال خوشی هم نمی‌کردم!»

شیخ و سیاست

شیخ با رژیم منفور پهلوی و سیاستمداران حاکم آن به شدت مخالف بود. یکی از فرزندان شیخ می‌گوید: در ۳۰ تیر سال ۱۳۳۰ هجری شمسی وقتی شیخ وارد منزل شد، شروع کرد به گریه کردن و فرمود: «حضرت سیدالشهدا^(ع) این آتش را با عبای‌شان خاموش کردند و جلوی این بلا (کشتار مردم از سوی دولت شاه) را گرفتند، آن‌ها بنا داشتند در این روز خیلی‌ها را بکشند؛ آیت الله کاشانی موفق نمی‌شود ولی سیدی هست که بعداً می‌آید و موفق می‌شود.» پس از چندی معلوم شد که مقصود از سید دوم، امام خمینی^(ع) است.

جناب شیخ، دوستان و شاگردان خود را از همکاری با دولت حاکم (پهلوی) و به خصوص از تعریف و تمجید آنان بر حذر می‌داشت. یکی از شاگردان شیخ از وی نقل کرده است که فرمود: «روح یکی از مقدسین را در برزخ دیدم محاکمه می‌کنند و همه کارهای ناشایسته سلطان جابر زمان او را در نامه عملش ثبت کرده و به او نسبت می‌دهند. شخص مذکور گفت: من این همه جنایت نکرده‌ام. به او گفته شد: مگر در مقام تعریف از او نگفتی: عجب امنیتی به کشور داده است؟ گفت: چرا! به او گفته شد: بنابر این تو راضی به فعل او بودی، او برای حفظ سلطنت خود به این جنایات دست زد.»

در نهج‌البلاغه آمده است که امام علی^(ع) فرمود: «هر که به کردار عده‌ای راضی باشد، مانند کسی است که همراه آنان، آن کار را انجام داده باشد و هر کس به کردار باطلی دست زند او را دو گناه باشد؛ گناه انجام آن و گناه راضی بودن به آن.»

عبد صالح خدا «رجب‌علی نکوگویان» مشهور به «جناب شیخ» و «شیخ رجب‌علی خیاط» در سال ۱۲۶۲ هجری شمسی، در شهر تهران دیده به جهان گشود. پدرش «مشهدی باقر» یک کارگر ساده بود. هنگامی که رجب‌علی دوازده ساله شد پدرش از دنیا رفت و او را که از خواهر و برادر تنی بی‌بهره بود، تنها گذاشت. وی از قول مادرش نقل می‌کند که: «موقعی که تو را در شکم داشتم شبی پدرت غذایی را به خانه آورد، خواستم بخورم دیدم که تو به جنب و جوش آمدی و با پا به شکمم می‌کوبی، احساس کردم که از این غذا نباید بخورم، دست نگه داشتم و از پدرت پرسیدم...؟ پدرت گفت حقیقت این است که این‌ها را بدون اجازه از مغازه‌ای که در آن کار می‌کنم آورده‌ام! من هم از آن غذا مصرف نکردم.»

خانه خستی

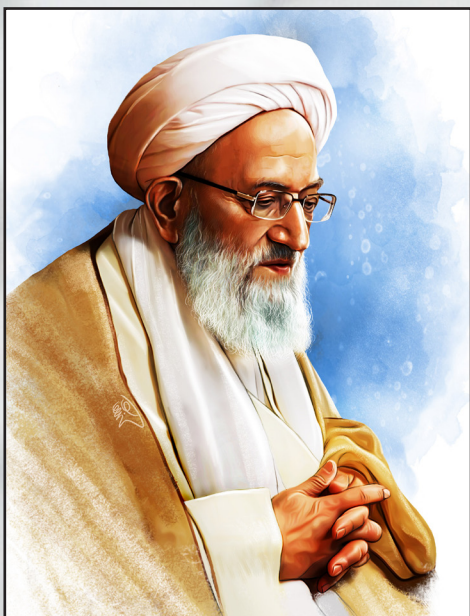
خانه خستی و ساده شیخ که از پدرش به ارث برده بود در خیابان مولوی کوچه سیاه‌ها (شهید منتظری) قرار داشت. وی تا پایان عمر در همین خانه محقر زیست. یکی از فرزندان شیخ می‌گوید:

پس از ازدواج، دو اتاق طبقه بالای منزل را آماده کردیم و به پدرم گفتم: آقایان، افراد رده بالا و بزرگان دینی به دیدن شما می‌آیند، دیدارهای خود را در این اتاق‌ها قرار دهید، فرمود: «نه! هر که مرا می‌خواهد بیاید این اتاق، روی خرده کهنه‌ها بنشیند، من احتیاج ندارم.» این اتاق، اتاق کوچکی بود که فرش آن یک گلیم ساده و در آن یک میز کهنه خیاطی قرار داشت.

شغل جناب شیخ

خیاطی یکی از شغل‌های پسندیده در اسلام است. جناب شیخ برای اداره زندگی خود، این شغل را انتخاب کرد و از این رو به «شیخ رجب‌علی خیاط» معروف شد. جالب است بدانیم که خانه ساده و محقر شیخ، با خصوصیتی که پیش‌تر بیان شد، کارگاه خیاطی او نیز بود.

یکی از دوستان شیخ می‌گوید: فراموش نمی‌کنم که روزی در ایام تابستان در بازار جناب شیخ را دیدم، در حالی که از ضعف رنگش مایل به زردی بود. قدری وسایل و ابزار خیاطی را خریداری و به سوی منزل می‌رفت، به او گفتم: آقا! قدری استراحت کنید، حال شما خوب نیست. فرمود: «عیال و اولاد را چه کنم؟!» در حدیث است که رسول خدا^(ص) فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ



هر کاری که می‌کنی برای خدا بکن!

مرحوم آیت الله مهدوی کنی (ره) نقل می‌کردند:
پس از پوشیدن لباس روحانیت و عمامه گذاشتن،
برای سفارش لباس رقتیم سراغ مرحوم استاد شیخ
رجب‌علی خیاط و اولین لباس من را ایشان دوخت.
ایشان به من گفت:

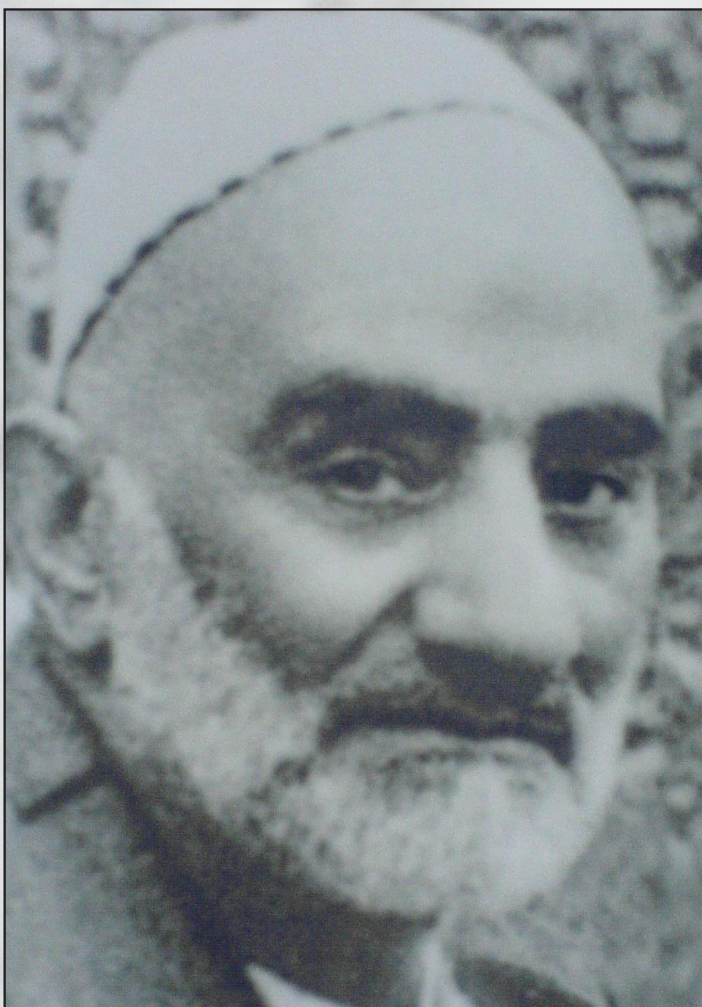
آقا می‌خواهی چه کاره بشوی؟ گفتم: می‌خواهم
طلبه شوم.

گفت: می‌خواهی آدم بشوی یا طلبه؟ گفتم: من آدم
شدن را نمی‌فهمم یعنی چی؟ می‌خواهم طلبه شوم.
گفت: اگر آدم بشوی بهتر است تا طلبه. آدم هم
می‌تواند طلبه باشد و هم آدم.

گفتم: چگونه می‌شود آدم شد؟ گفت: هر کاری که
می‌کنی برای خدا بکن. اگر چلوکباب هم می‌خوری
برای خداوند بخور.

گفتم: چلوکباب را که نمی‌شود برای خدا خورد!
گفت: چرا می‌شود، اگر برای شکم بارگی غذا خوردی،
این هوا و هوس است اما اگر برای این هدف غذا
بخوری که قدرتی بگیری تا خدمت و عبادت کنی،
این می‌شود برای خدا.

به من گفت: تا آخر عمرت یادت باشد که هر کاری
می‌کنی برای خدا بکن!



توت در زمستان

همسر شیخ رجب‌علی خیاط نقل کرده است:
در یکی از سحرهای شب قدر، شیخ به من گفت: تو
بارداری میل به چه داری؟ نه چندان جدی گفتم:
توت. شیخ به آرامی گفت: خوب برو و از درخت داخل
حیاط توت بچین! با تعجب پرسیدم در این برف و
سرما زمستان، چیدن توت از درخت پر از برف؟!
شیخ به نرمی گفت: اگر توت میل دارید از درخت
داخل حیاط، توت تازه بچینید. با ناباوری اطاعت امر
کردم. حیاط پوشیده از برف بود، اما دیدم درخت
توت و توت‌های آویزان به آن، در میان سپیدی برف
جلوه می‌کند!!! توت‌های شیرین و آبداری چیدم و به
داخل اتاق برگشتم، وقتی شیخ تعجب مرا دید، گفت:
دوباره به داخل حیاط نگاه کن. در را باز کردم، صدای
زوزه باد به گوش می‌رسید. این بار درخت توت داخل
حیاطمان پوشیده از برف بود و خبری از توت نبود!!!
به شیخ نگاه کردم، و تمام وجودم سؤال بود، شیخ
گفت: در این شب قدر دعا کردم و خدا هم مستجاب
کرد و توت رساند!!!

قرآن



یاد بگیریم که جلساتی داشته باشیم، فقط برای شنیدن کلام الله. جلسه زیاد هست،

لیکن احتیاج هست در میان مردم ما - که قلباً علاقه مند به قرآنند -

جلساتی باشد، فقط برای شنیدن.



پل صراط

«وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَى رَبِّكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا»

چرا همه وارد جهنم می‌شوند؟

سَرِّش این است که جهنم در آخرت، مظهر دنیاست در این جا، و انبیاء و ائمه و اولیاء هم در این دنیا آمدند، پس همه در جهنم آمدند و از این جهنم باید به بهشت بروند، چون دنیا پل آخرت و جهنم پل بهشت است، و رسیدن به بهشت و مقام قرب حضرت حق، بدون آمدن در دنیا و مجاهدات نفسانیه ممکن نیست؛ پس همه باید در این جهنم بیایند و سپس خلاص شوند.

شما با چه سرعتی از پل صراط عبور می‌کنید؟

همان‌طور که گفته شد طبق آیه ۷۱ سوره مریم، همه از پل صراط، پلی که از جهنم می‌گذرد رد خواهیم شد. منتها سرعت رد شدن از این پل تنها بر مبنای امتیاز تقوای افراد یعنی انجام بایدها و پرهیز از نبایدهاست...

بنا بر فرموده پیامبر (ص) عده‌ای با سرعت نور، عده‌ای با سرعت باد، گروهی با سرعت وسیله سواری تندرو، گروهی با سرعت وسیله سواری کندرو، گروهی با سرعت یک انسان دونده و گروهی با سرعت معمول یک انسان پیاده از این پل عبور می‌کنند.

آنان که طبق فرمایش پیامبر گرامی (ص) با اعمال‌شان لیاقت دریافت وسیله‌ای با سرعت نور را دارند، این مسیر را در کمترین زمان و احساس نکردن هیچ حرارتی طی خواهند کرد. برای این دسته، آتش از خاصیت می‌افتد و نمی‌سوزاند زیرا آن‌ها تبدیل به نور می‌شوند.

نوریان در کمترین زمان و کمترین درد از پل عبور می‌کنند. فقط معصومین و اولیای الهی تبدیل به نور می‌شوند و سایرین برحسب پرهیزگاری‌شان، سرعت عبورشان معین خواهد شد. هرچه سرعت‌مان بالاتر باشد، سوزش کمتری خواهیم داشت یعنی کمتر عذاب می‌شویم.

(فیض کاشانی، محمد محسن، الوافی، ج ۵، ص ۷۰۵)

چرا ما آدم‌ها در مقابل هشدارهای قرآن بی‌تفاوتیم و خیلی راحت از کنارش می‌گذریم و هیچ تحولی در زندگی‌مان ایجاد نمی‌شود؟ علت این است که، ما احتمالاً به یکی از دو آفت زیر مبتلا شدیم:

۱- مبتلا به بیماری ضعف ایمان و کمبود یقین هستیم و در یک کلمه، قیامت باورمان نشده است.

۲- غرور بی‌جا نسبت به رحمت خدا و شفاعت اولیای خدا، کار ما را به بی‌پروایی و بی‌مبالاتی در امر دین خدا کشیده است. در صورتی که همین یک آیه از قرآن کریم باید برای ما کافی باشد و ما را دگرگون سازد:

«و هیچ‌کس از شما نیست مگر [این‌که] در آن [جهنم] وارد می‌گردد. این [امر] همواره بر پروردگارت حکمی قطعی است.» (آیه ۷۱ سوره مبارکه مریم)

«ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَ نَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثِيًّا: آن‌گاه آنان را که پرهیزگار بودند نجات می‌دهیم و تجاوزگران را در میان جهنم به زانو در می‌آوریم.» (آیه ۷۲ سوره مبارکه مریم)

البته مقصود از ورود به جهنم، اشراف پیدا کردن به جهنم است که لازمه‌ی عبور از صراط است و صراط از متن جهنم کشیده شده و همه باید از آن عبور کنند تا به بهشت برسند یا در بین راه به میان جهنم سقوط کنند.

بله، همین یک آیه کافی است که انسان را بلرزاند تا پیش خود فکر کند که ورود به جهنم، حتمی و نجاتم مشکوک است. نمی‌دانم از «الذین اتقوا» هستم که نجات یافته باشم یا از «الظالمینم» که هلاک گردم؟

قلب انسان مؤمن، از این آیه پیوسته ترسان و چشمش گریان است تا لحظه‌ای که خود را ببیند که به سلامت از صراط عبور کرده و مقابل درب ورودی بهشت ندای بشارت‌آمیز خازن جنت را بشنود که: «سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طَبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ»

خوش آمدید! داخل شوید و با سلامت و امنیت همیشگی خوش باشید.



صاحب تلاوت معنامحور



استاد عبدالفتاح شعشعی در سال ۱۸۹۰ میلادی در روستای «شعشع» از توابع منوفیه مصر به دنیا آمد و در سن ۱۰ سالگی تحت تعلیم و تربیت پدرش «محمود ابراهیم شعشعی» موفق به حفظ کل قرآن شد.

بدون شک شخصیت دینی و قرآنی استاد شعشعی متأثر از شخصیت پدرش بود که در روستا از احترام خاصی برخوردار بود و همه او را به عنوان فردی دین‌دار و صاحب فضیلت می‌شناختند و روی آوردن عبدالفتاح به سمت و سوی تلاوت قرآن کریم نیز متأثر از شخصیت پدرش است.

عبدالفتاح شعشعی در سن نوجوانی به منظور فراگیری علم تجوید و قرائت قرآن کریم راهی طنطا شد و در مسجد الاحمدی طنطا به فراگیری این علوم مشغول شد و با شنیدن صدای زیبایش، استادان وی او را برای رفتن به قاهره و ملحق شدن به دانشگاه الازهر تشویق کردند.

این نوجوان برازنده توانست تحت نظر استاد «بیومی» و استاد «علی سبیع» علم قرائت را بیاموزد و به مدد صدای زیبا و با لطف الهی که شامل حال او شد خود را به عنوان یکی از قاریان تراز اول جهان اسلام مطرح سازد.

اما آن چیزی که باعث شد همه او را به عنوان قاری درجه اول مصر بشناسند، تلاوت بسیار زیبای وی در شب میلاد امام حسین^(ع) بود که در کنار بزرگان قرائت مانند «محمد رفعت»، «احمد ندا» و «علی محمود» اجرا کرد و همه را مسحور صدا و الحان زیبا و موزون خود نمود.

در سال ۱۹۶۱ به طور رسمی وارد رادیوی مصر شد تا این بار امواج رادیویی، صدای زیبای او را به گوش تمام جهانیان برساند و با تلاوت بسیار زیبا و ملکوتی خود دل‌های قرآن‌دوستان و عاشقان کلام وحی را جلا بخشد.

استاد عبدالفتاح شعشعی یکی از بزرگان صاحب سبک در بین قاریان مصری می‌باشد که بسیاری از قاریان بزرگ مصر مانند استاد شیخ مصطفی اسماعیل از شیوه ایشان تأثیر گرفته‌اند.

روش استاد در اجرای مقام‌ها و انتقال بین آن‌ها، با دیگر قاریان تفاوت‌های اساسی دارد. این مسئله در تلاوت تعداد محدودی از قاریان نیز که سبک و شیوه خاصی از لحاظ لحن دارند مانند شیخ رفعت، دیده می‌شود. روش استفاده از مقام نیز در سبک استاد با دیگر سبک‌ها تفاوت‌های اساسی دارد. اجرای لیزش‌های صوتی یا گلیساندو که از خصوصیات مهم تلاوت استاد می‌باشد، در دیگر سبک‌های قدیمی و هم‌دوره وی بسیار کم شنیده می‌شود. یکی دیگر از خصوصیات تلاوت شیخ عبدالفتاح، استفاده از مقام‌ها می‌باشد که در برخی اجراها، از فرع مقام‌ها به عنوان فاصله اساسی برای انتقال به مقام‌های دیگر استفاده می‌کند.

آنچه تلاوت این استاد مصری را در کنار همه ویژگی‌هایی که دارد، ممتاز و ماندگار می‌کند، انطباق کامل الحان و پرده‌های

صوتی مورد استفاده با معنای آیات است. ایشان ظرفیت صوتی و لحنی خود را طوری در استخدام القای معنا قرار می‌دهد که شنونده، با وی در مسیر فهم آیات همراه می‌شود. سرانجام این قاری بزرگ جهان اسلام در سال ۱۹۶۲ میلادی و در سن ۷۰ سالگی پس از آن که عمری را در راه خدمت به قرآن گذراند و با تلاوت‌های زیبایش دل‌های مشتاقان به کلام وحی را جلا بخشید جان به جان آفرین تسلیم کرد.

در تصویر زیر از سمت چپ، نفر اول «عبدالباسط»، نفر دوم «عبدالفتاح شعشعی» و نفر سوم «ابوالعینین شعشع» است. این تصویر در سال ۱۹۵۶ میلادی (۱۳۳۵ شمسی) در صحن شریف کاظمین ثبت شده است. عبدالباسط قاری اسطوره‌ای قرآن کریم در آن زمان ۲۹ سال سن داشته است. شعشع، در آن زمان ۳۴ سال و «شعشعی» در آن زمان بیش از ۶۵ سال سن داشته است.



توصیه‌هایی از امام صادق (ع)

وصیت امام صادق به سفیان ثوری (از دوست‌داران و یاران خاص امام)

سفیان می‌گوید: جعفر بن محمد علیهماالسلام را دیدار و عرض کردم: ای فرزند رسول الله! مرا توصیه و سفارشی بفرمایید. امام فرمود: ای سفیان! شخص دروغ‌گو، مروت و مردانگی ندارد و آدم بی‌حال، دوستی و رفاقت، و انسان حسود راحتی ندارد و شخص بداخلاق، به بزرگی و آقایی نمی‌رسد.

سفیان گفت: باز بفرمایید. امام فرمود: ای سفیان! به خدا اطمینان داشته باش تا مؤمن راستین شوی و به قسمت خدا راضی باش تا بی‌نیاز گردی و با همسایه‌ات به خوبی رفتار کن تا مسلمان شمرده شوی و هرگز با شخص فاجر و نا به کار هم‌صحبت و رفیق مباش که او فجور و زشت‌کاری به تو یاد می‌دهد و همیشه در مسائل زندگی با کسانی که از خدا خشیت دارند، مشورت کن. (اصول کافی، ج ۲) یک روز سفیان به امام صادق (ع) عرض کرد: از حضورتان نمی‌روم مگر آن‌که مرا حدیثی بفرمایید. امام فرمود: من برای تو حدیث بازگو می‌کنم، ولی زیادی حدیث تو را سود نمی‌بخشد.

ای سفیان! هرگاه خداوند نعمتی به تو عطا کرد و تو دوست داشتی که آن نعمت برای تو پایدار بماند، پس فراوان حمد و سپاس خدا را به جای آور که خداوند عزوجل، در قرآن می‌فرماید: «لَإِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ» (اگر سپاس گویند بر (نعمت) شما می‌افزاییم). (ابراهیم / ۷)

اگر روزی تو اندک شد و دیر به تو رسید، زیاد استغفار کن که در قرآن می‌فرماید: فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّاراً يُرْسِلَ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَاراً وَ يُمِدِّدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَنِينَ وَ يُجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَ يُجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَاراً. (از پروردگار طلب مغفرت کنید که او بسیار عفوکننده است. آسمان را برای شما می‌باراند و شما را با دارایی‌ها و فرزندان کمک و یاری می‌کند و برای شما باغ‌ها و بهشت‌ها قرار می‌دهد و رودها و چشمه‌ها جاری می‌سازد). (نوح / ۱۰ تا ۱۲) ای سفیان! هرگاه از دست سلطان و جباری محزون و دلگیر شدی زیاد «لا حول و لا قوة الا بالله» بگو که آن کلید فرج و گشایش و گنجی از گنج‌های بهشتی است.

سفیان پس از شنیدن این نصایح و وصیت‌ها با حرکات دستش می‌گفت سه سفارش و چه سفارش‌هایی... (روضه کافی)





استاد حسن ربیعیان

با برخی ضعف‌های شایع تجویدی آشنا شویم

قطعاً مراحل چهارگانه آموزش تجوید برای افراد عرب‌زبان هم صادق است، اگرچه به دلیل زبان مادری و تجربه شنیداری و تکلم، به زبان قرآن نزدیک‌ترند اما لزوماً به این معنا که عرب‌زبان، علم تجوید و تقلید می‌داند و می‌تواند قرآن را فصیح بخواند، نیست! همان‌طور که هر فارس‌زبانی ادیب نیست و باید علم مربوط به ادبیات فارسی را بیاموزد و تجربه کند.

نتیجه این‌که حتی افراد عرب‌زبان هم که بخواهند قرآن را فصیح بخوانند باید مراحل چهارگانه آموزش علم تجوید را فرا گیرند و تقلید دقیق و استماع تلاوت‌های اصیل برای آن‌ها هم واجب و ضروری است.

اگرچه همه قواعد علم تجوید برای فصیح‌خواندن لازم و ضروری است، اما پاره‌ای از مطالب که اساتید فن هم بر آن تأکید ویژه دارند را به منظور ارائه تلاوت فصیح‌تر یادآوری می‌نماید.

کلیدهای لهجه عرب

- اداء صحیح حرکات کوتاه که باید تک‌ضرب و کوتاه خوانده شوند. به معنای دیگر، تلفظ صداهای کشیده در حداقل زمان صورت گیرد.

- فراگیری دقیق و صحیح حروف (خصوصاً ۱۰ حرف متمایز از زبان عربی) از حیث مخرج و صفات. بعضاً مشاهده می‌شود که افراد باسابقه در امر تلاوت، از فصاحت لازم برخوردار نیستند، به دلیل این‌که یک تلفظ ناصحیح برای‌شان ملکه شده است!

- رعایت صحیح و بدون تکلف ۲ صفت متضاد استعلاء و استفال که صد البته تقلید دقیق و استماع تلاوت‌های فصیح و اصیل در فراگیری صفات فوق بسیار مؤثراند.

توجه کنید که برای ادای صحیح و بدون تکلف حروف استعلاء، باید آن‌ها را به دو دسته تقسیم کنیم. بدین صورت که چهار حرف (ص - ض - ط - ظ) پرحجم‌تر و درشت‌تر از سه حرف (خ - غ - ق) تلفظ می‌شوند.

اگر بخواهیم تجوید را معنا کنیم، باید بگوییم تجوید یک کلمه عربی در مصدر باب تفعیل و از ابواب ثلاثی مزید است. ماضی و مضارع آن جَوَدَ و يُجَوِّدُ و اسم آن الجَوْدَةُ است. تجوید در لغت به معنای نیکوگرداندن و حُسن بخشیدن است و در تلاوت قرآن، اعطای حق هر حرف از نظر مخرج و صفات لازمه آن حرف در حالت انفراد. مثل: شدت، رخوت، جهر و همس. مستحق حرف هم به احکامی گفته می‌شود که از پیوستن حرف یا حروفی در ترکیب با حروف و یا حرکات دیگر به وجود می‌آید. مثل: تفخیم، ترقیق، مدّ و ادغام.

علم تجوید در چهار بخش، قابل تعریف و اجراست: ۱- شناخت مخارج حروف ۲- شناخت صفات حروف که جزء حق حرف به حساب می‌آید ۳- شناخت احکام حروف که مستحق حرف محسوب می‌شود ۴- تمرین دادن دستگاه تکلم و تکرار روزانه به طور صحیح و تلاوت در محضر اساتید.

توجه کنید که همه موارد چهارگانه فوق مهم‌اند، اما مورد چهارم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. نوجوانان و عزیزانی که علاقه دارند قاری یا حافظ ممتاز شوند، ضمن فراگیری دقیق موارد سه‌گانه تجوید شامل مخارج، صفات و احکام کارورزی و تمرین فردی و تلاوت نزد استاد را باید به طور جدی دنبال نمایند.

اهمیت نکته فوق از این جهت است که ما مسلمانان فارس زبان علاقه‌مند به تلاوت قرآن درست است که از ۳۲ حرف زبان مان ۲۸ حرف آن قرآنی و عربی است - البته این خود از الطاف خداوندی است که شامل حال ما شده و باعث سهولت در فراگیری قرآن و قواعد آن است - ولی باید توجه داشت که گویش و تکلم ما با همین حروف به زبان مادری یعنی فارسی است که اصولاً با توجه به شنیده‌ها، دستگاه تکلم و اندام‌های صوتی ما ورزیده شده‌اند و قطعاً بدون توجه به نکات فنی علم تجوید و توصیه اساتید فن، رسیدن به فصاحت در تلاوت امکان‌پذیر نیست.

بنابراین می‌طلبید که عزیزان اولاً تقلید دقیق و جدی از اساتید مصری خصوصاً اساتیدی که در ادا فصیح‌ترند مثل عبدالباسط، منشاوی، محمود علی‌الینا، حصری و... داشته باشند، ثانیاً استماع روزانه تلاوت‌های مشهور و اصیل، تا گویش و استماع کلام فارسی و هم‌چنین موسیقی فارسی پوشش داده شود، که صد البته این عمل ما را در امر تلاوت فصیح کمک خواهد کرد.

آسیب‌های شایع در اداء برخی حروف و صفات

این اتفاق روی می‌دهد و اصولاً می‌بایست مثل حرف ذال ولی درشت و مفخم تلفظ گردد.

حرف لام: این حرف دارای صفت توسط می‌باشد. زیاد مشاهده می‌شود که عزیزان فقط صفت شدت به لام می‌دهند، خصوصاً زمانی که مشدد است. مانند: وَالَّذِي، وَاللَّيْلِ که موقع تلفظ کاملاً صوت محبوس و قطع می‌گردد. این غلط است و در مسابقات نیز نمره منفی دارد و اگر هم فقط صفت رخوت بگیرد باز غلط است که البته این مورد کمتر دیده می‌شود.

حرف ضاد: نباید هوا از مخرجش که از تماس کناره زبان با دندان‌های آسیای بالا است به راحتی عبور کند و مثل طاء شود. بهترین مدل، همان تلفظ‌هایی است که از قراء مشهور مصری وجود دارد. یعنی حرف ضاد را مانند حرف دال درشت و مفخم با کمی نرمی ادا می‌کنند. از صفات فرعی حرف ضاد، استتاله به معنای امتداد صوت در مخرج حرف است.

حرف عین: نکات فوق برای عین هم صادق است. خصوصاً در مواقعی که حرف عین، ساکن و مشدد باشد بیشتر جلوه می‌کند. موقع تلفظ این حرف، نباید صوت کاملاً قطع گردد و نیز نباید شل و با رخوت ادا شود بلکه باید با صفت توسط همراه با استفال ادا گردد.

حرف همزه: نباید تسهیل شود، رعایت نبر ضروری است. مثل همزه اکبر و أحمد. در تکلم قاری، آسیب دیگر همزه در حالت ساکن است که نباید در هنگام تلفظ، ناله و کشش وجود داشته باشد. مانند: تأکل، يأخذ و...

حرف راء: حرف راء دارای صفت توسط است. این حرف در حالت ساکن بعضاً دچار آسیب می‌گردد. مهم‌ترین آسیب این است که تکریر همراه با جهر این حرف رعایت نمی‌شود و در اصطلاح می‌گویند راء خفه می‌شود. همچنین تفخیم و ترقیق خوب ادا نمی‌شود و افراط و تفریط باعث عدم فصاحت تلفظ حرف راء می‌گردد و منظور از تکریر فقط یک‌بار تکرار است نه بیشتر!

حرف حاء: گرفتگی زیاد (بُحّه) اگر از حد طبیعی بگذرد (عدول کند)، شبیه حاء می‌شود و غلط است. اصولاً استعداد مفخم شدن را دارد و باید از این آسیب جلوگیری شود.

دو حرف تاء و کاف: یکی از صفات مهم این حروف شدت است که در حالت سکون دارند و حتماً باید آزاد شوند. ضمناً این آزادسازی باید با صدای خفیف (همس) همراه بوده و باعث پخش شدن این دو حرف نشده و با صدای آشکار (جهر) و مفخم (درشت) ادا نشوند.

حرف واو: ضمن غنچه شدن لب‌ها باید نازک و مرقق، به همراه صدای جهر باشد خصوصاً در حالت ساکن.

حرف ثاء: چنان‌چه از مخرج با صفت شدت ادا شود غلط است. لذا باید صفت رخوت (خصوصاً در حالات ساکن و مشدد) رعایت شود. مورد دیگر مفخم و درشت‌خوانی ثاء است که از موارد آسیب در تلفظ آن محسوب می‌شود. ضمناً صفت نفت ثاء که به معنای دمیدن می‌باشد از نکات مهم است.

حرف غین: اطباق ندارد، نباید موقع تلفظ، فضای دهان زیاد پُر شود و یا سطح روی زبان با کام بالا منطبق گردد (فقط استعلاء رعایت گردد)

حرف ذال: از حروف استفال است که باید نازک ادا شود. از دیگر صفات آن رخوت و جهر است و ضعف در آن جایی است که به همراه رخوت، جهر رعایت نشده و به جای صدای آشکار، خیشومی ادا می‌گردد. دیگر آسیب، محبوس شدن صوت در تلفظ ذال (خصوصاً در حالات ساکن و مشدد) است که شدت می‌گیرد و کاملاً غلط است.

حرف فاء: صفت نفخه دارد؛ یعنی این که در هنگام تلفظ باید در آن به اندازه دمید تا هوا از مخرجش که از حروف شفوی است، عبور نماید؛ خصوصاً در حالات ساکن و مشدد.

توازن غنه‌ها و مدود: بعضاً دیده می‌شود در آیه‌ای که چند مورد غنه وجود دارد، قاری هرکدام را متفاوت با دیگری مد می‌دهد. بعضاً کمبود نفس هم دخیل می‌شود و این کار عدم فصاحت را به دنبال دارد. شایسته است که یک قاری خوب، توازن را رعایت کند. از موارد عدم توازن می‌تواند مقدار کشش صداهای کشیده (مدود طبیعی) در طول تلاوت باشد. عدم توازن مدود و غنه‌ها یکی دیگر از مواردی است که باعث می‌شود قاری دچار اسراع و ابطاء گردد. یعنی دور تلاوت، کند و تند شده و تلاوت از حالت استاندارد خارج شود.

توجه کنید که نوع اخفایات برخی اوقات به جهت این که از خیشوم استفاده نمی‌شود دارای آسیب است و فصیح نیست. مثلاً اخفای نون در حروف تاء و دال، اگر مد غنه به خیشوم منتقل نگردد، در اصطلاح گفته می‌شود اخفای باز است و این نوع اخفای فصیح نیست.

حرف طاء: از حروف مستعلیه و درشت است. از آسیب‌های مهم حرف طاء، دادن صفت شدت به آن است که معمولاً به حرف ضاد تبدیل می‌شود و خلط می‌گردد. خصوصاً در حالت سکون و مشدد

احکام



چگونه وضو بگیریم؟

◆ نیت و آغاز وضو

سؤال: برای وضو انجام چه اعمالی لازم است؟

جواب: در وضو واجب است نیت نموده، صورت و دست‌ها را بشویند و جلوی سر و روی پاها را مسح کنند.

سؤال: نیت وضو چگونه است؟

جواب: هنگام وضو گرفتن لازم نیست انسان نیت وضو را به زبان بگوید یا از قلب خود بگذراند، قصد وضو گرفتن همان نیت است و نیاز به گفتن ندارد و در روزه و نماز هم مانند وضو تصمیم بر انجام آن عمل، نیت محسوب می‌شود.



◆ شستن صورت

سؤال: صورت را چگونه باید شست؟

جواب: درازای صورت را باید از بالای پیشانی جایی که موی سر بیرون می‌آید تا پایین (آخر) چانه شست و پهنای آن به مقداری که بین انگشت وسط و شصت قرار می‌گیرد باید شسته شود و اگر مختصری از این مقدار را نشوید وضو باطل است و برای آن که یقین کند این مقدار کامل شسته شده کمی از اطراف آن را نیز بشوید.

سؤال: اگر کسی احتمال دهد چرک یا چیز دیگری در آبروها، گوشه‌های چشم و لب او نمی‌گذارد آب به آن برسد چه وظیفه‌ای دارد؟

جواب: چنانچه احتمال او در نظر مردم به جا باشد (وسواس نباشد...) باید احتیاطاً پیش از وضو بررسی کند تا اگر مانعی هست برطرف نماید.

سؤال: وظیفه کسی که پوست صورت او از لای مو پیدا باشد (مخصوصاً نوجوانان در اوایل سن رشد) چیست؟

جواب: باید آب را به پوست برساند و اگر پوست از میان مو پیدا نباشد شستن مو کافی است و رساندن آب به زیر آن لازم نیست.

سؤال: آیا شستن موهایی که از حد صورت بیشتر است لازم می‌باشد؟

جواب: خیر. واجب نیست مانند زیادی محاسن (ریش) که از درازا یا پهنای صورت گذشته باشد.

سؤال: شستن داخل بینی و مقداری از لب و چشم که در وقت بستن دیده نمی‌شود چه حکمی دارد؟

جواب: واجب نیست، ولی برای آن که یقین کند از جاهایی که باید شسته شود چیزی باقی نمانده مقداری از آن‌ها را نیز بشوید.

سؤال: روش صحیح شستن دست‌ها و صورت در هنگام وضو گرفتن چگونه است؟

جواب: باید صورت و دست‌ها را از بالا به پایین شست و اگر از پایین به بالا بشوید وضو باطل است.

سؤال: اگر دست‌ها را تر کند و به صورت و دست‌ها بکشد وضویش چه حکمی پیدا می‌کند؟

جواب: چنانچه تری دست به قدری باشد که بر اثر کشیدن دست، آب کمی بر آن‌ها جاری شود کافی است.



◆ شستن دست‌ها

سؤال: برای وضو گرفتن بعد از شستن صورت چه وظیفه‌ای داریم؟

جواب: باید دست راست و بعد از آن دست چپ را از آرنج تا سر انگشت‌ها بشوید.

سؤال: برای آن که یقین کند آرنج را کاملاً شسته چه کاری باید انجام دهد؟

جواب: باید مقداری بالاتر از آرنج را نیز بشوید.

سؤال: در موقع وضو دست‌ها را باید تا چه قسمت‌هایی بشوید؟

جواب: باید دست‌ها را تا سر انگشتان بشوید و اگر فقط تا مچ را بشوید وضو او باطل است.

سؤال: اگر دست‌ها را پیش از وضو تا مچ شسته باشد آیا شستن دوباره آن لازم است؟

جواب: بله، حتی اگر پیش از وضو دست‌های خود را تا مچ شسته باشد.



◆ مسیح پاهای

سؤال: در وضو بعد از مسح سر، نوبت به چه کاری می رسد؟
جواب: باید با تری آب وضو که در دست مانده، روی پاهای مسح کند.

سؤال: روش صحیح مسح پا چگونه است؟
جواب: باید روی پاهای را از سر یکی از انگشتها تا برآمدگی روی پا مسح کند و بنا بر احتیاط مستحب تا مفصل را مسح نماید.

سؤال: آیا باید مسح پای راست را مقدم بر پای چپ نماید؟
جواب: بنا بر احتیاط مستحب، پای راست را مقدم بر مسح پای چپ نماید.

سؤال: آیا می توان با دست چپ پای راست را مسح نمود؟
جواب: خیر. پای راست را با دست راست و پای چپ را با دست چپ مسح نماید.

سؤال: در مسح سر و روی پا چگونه باید عمل کرد؟
جواب: باید دست را روی آن بکشد و اگر دست را نگه دارد و سر یا پا را به آن بکشد وضو باطل است.

سؤال: اگر موقعی که دست را بر سر یا پا می کشد، سر یا پا حرکت کند وضو چه حکمی پیدا می کند؟
جواب: اشکالی ندارد.

سؤال: اگر جای مسح پا قدری تر باشد وضو چه حکمی پیدا می کند؟

جواب: جای مسح باید خشک باشد. اگر مقداری تر باشد که تری دست بر آن غلبه کند اشکال ندارد.

سؤال: اگر برای مسح، رطوبتی در کف دست نمانده باشد چه وظیفه ای دارد؟

جواب: نمی تواند دست را با آب غیر وضو تر کند بلکه باید از اعضای دیگر وضو رطوبت بگیرد.

سؤال: مسح کردن پا از روی جوراب و کفش چه حکمی دارد؟
جواب: باطل است.

سؤال: چند مرتبه شستن دستها و صورت برای وضو گرفتن چند مرتبه لازم است؟
جواب: بار اول: واجب، بار دوم: مستحب، بار سوم و بیشتر از آن حرام می باشد.

سؤال: در هنگام شستن دستها برای وضو، شستن اول و دوم و سوم چگونه محاسبه می گردد؟
جواب: این که کدام شستن اول یا دوم یا سوم است مربوط به قصد کسی است که وضو می گیرد. پس اگر به قصد شستن مرتبه اول مثلاً ده مرتبه آب به دستها بریزد اشکال ندارد و همه آنها شستن اول حساب می شود و اگر به قصد این که سه مرتبه بشوید سه مرتبه آب بریزد، مرتبه سوم حرام است.



◆ مسیح سر

سؤال: در وضو گرفتن بعد از شستن هر دو دست چه وظیفه ای داریم؟

جواب: بعد از شستن هر دو دست باید جلوی سر را با تری آب وضو که در دست مانده (با دست راست) از بالا به پایین مسح نماید.

سؤال: جای مسح سر کجاست؟
جواب: یک قسمت از چهار قسمت سر که مقابل پیشانی است جای مسح می باشد.

سؤال: به چه مقدار باید سر را مسح کرد؟
جواب: به مقدار عرض یک انگشت مسح نماید و احتیاط مستحب این است که از درازا به اندازه درازای یک انگشت و از پهنا به اندازه پهنای سه انگشت بسته، مسح نماید.

سؤال: آیا لازم است که مسح سر بر پوست آن باشد؟
جواب: خیر. لازم نیست مسح سر بر پوست آن باشد. بلکه بر موی جلوی سر نیز صحیح است.

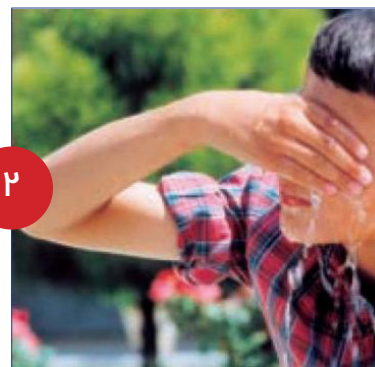
سؤال: کسی که موی جلوی سرش بلند باشد، چه وظیفه ای دارد؟
جواب: کسی که موی جلوی سر او به اندازه ای بلند است که اگر مثلاً شانه کند به صورتش می ریزد یا به جاهای دیگر سر می رسد مانند زنها باید بیخ موها را مسح کند و یا فرق سر را باز کرده، پوست سر را مسح کند.

امام صادق (ع) فرمودند: کسی که وضو بگیرد و خود را با حوله خشک نماید، یک حسنه برای او نوشته می‌شود، و هر که وضو بگیرد و خشک نکند، بلکه صبر نماید تا اعضاء وضو به خودی خود خشک شود، سی حسنه برای او نوشته می‌شود. (بحارالانوار)



۱

نیت



۲

شستن صورت



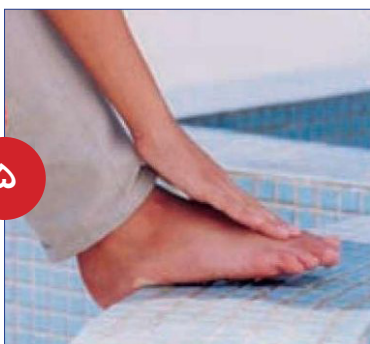
۳

شستن دست‌ها



۴

مسح سر



۵

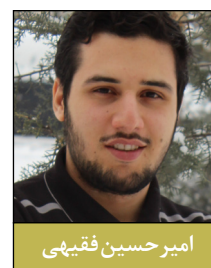
مسح پا

وضوی ارتماسی

در وضوی ارتماسی، انسان می‌تواند صورت و دست‌ها را به قصد وضو در آب فرو برد، یا بعد از فرو بردن در آب به قصد وضو از آب بیرون آورد و آن را وضوی ارتماسی می‌گویند. در وضوی ارتماسی باید صورت و دست‌ها از بالا به پایین شسته شود، یعنی اگر وقتی صورت و دست‌ها را در آب فرو می‌برد قصد وضو کند، باید صورت را از طرف پیشانی و دست‌ها را از طرف آرنج در آب فرو برد و اگر موقع بیرون آوردن از آب قصد وضو می‌کند باید صورت را از طرف پیشانی و دست‌ها را از طرف آرنج بیرون آورد.

دانشنی ما

یک مکروه، زمینه ساز گناهان بسیار!



امیرحسین فقیهی

منشأ شهوات و زمینه گناهان چیست؟

در جواب این سؤالات به ما رسیده است. جالب آن که این دلیل به ظاهر کوچک و بی‌اهمیت به خودی خود جزو محرّمات نیست ولی سرپیچی از دستور خداوند باری تعالی محسوب می‌شود و مقدمه‌ای می‌شود برای نابودی دنیا و آخرت انسان.

با یک نگاه ساده به زندگی خودمان، می‌توانیم بفهمیم چه کاری، ما را سست اراده می‌کند و مقدمه‌ای می‌شود برای ناتوانی در انجام احکام دین. جواب این است: پرخوری؛ همین شکم، یکی از اعضای بدن انسان عامل اصلی و منشأ بسیاری از گناهان است. چه کسی باورش می‌شود که یک کار مباح اگر به کاری مکروه بدل شود، انسان را به ورطه گناه می‌کشاند. غذا خوردن یکی از کارهای مباح است. این عمل بعضی مواقع مستحب و بعضی مواقع واجب می‌شود. حال اگر همین کار به حد افراط برسد، می‌شود مکروه و چه بسا برای اولیای خدا گناه نیز محسوب شود. دلیل این که شهوت شکم، منشأ تمام شهوات است؛ این است که انسان برای هضم غذا نیاز به نوشیدن آب دارد و در نتیجه آب خوردن زیاد، خواب‌آلودگی بر انسان چیره می‌شود و پرخوابی انسان را از انجام احکام دین باز می‌دارد و انجام ندادن واجبات، اراده انسان را سست کرده و زمینه را برای وسوسه شیطان آماده می‌کند. آن‌گاه است که نفس طغیانگر انسان از نفس مطمئنه‌اش پیشی می‌گیرد و خدای ناکرده نتیجه‌اش می‌شود گناهان صغیره و اصرار بر گناهان صغیره، گناهان کبیره را در پی دارد و انجام‌دهنده گناهان کبیره عادل نیست و به انسان غیر عادل نمی‌توان اعتماد کرد. پشت‌سرش نماز ندارد...

خیلی از ما انسان‌ها به دنبال دوری از گناهان و تکمیل اخلاق خود هستیم. فکر می‌کنیم عبارت معروف «انجام واجبات و ترک محرّمات» همین است که رساله توضیح المسائل مرجع تقلیدمان را باز کنیم، آن احکامی را که حرام دانسته‌اند، انجام ندهیم و به امور واجب، جامه عمل بپوشانیم. در حالی که خود این کار مقدمه‌ای می‌خواهد. دین ما غیر از واجب و حرام، سه حکم دیگر هم دارد؛ مستحب، مکروه و مباح. چه بسا خیلی از مستحبات، انسان را به بهتر ادا شدن احکام واجب می‌رساند و با انجام کارهای مکروه، محرّمات گریبانگیرمان می‌شود. مطالعه و جمع‌بندی دستورات اخلاقی دین، ما را به یک عامل مشترک برای منشأ شهوات انسانی می‌رساند که عالم ربانی، ملامحسن فیض کاشانی در کتاب «اخلاق حسنه» به آن اشاره کرده است. به راستی منشأ شهوات چیست؟

منشأ اصلی گناهان انسان، نه دروغ است و نه ریا. نه غیبت است و نه تهمت. نه زناست و نه بخل و حسد و کبر و عجب. اصلاً خود اینها گناه هستند. باید به دنبال عاملی گشت که این‌ها به نوعی از آن عمل سرچشمه می‌گیرد.

دلیل گناهان چیست؟ چه چیزی قبل از گناه اتفاق می‌افتد که باعث می‌شود انسان به گناه کشیده شود و خدای ناکرده دامنش به حرام الهی آلوده شود؟ چه چیزی باعث نقض اخلاق می‌شود و ما را از مسیر سعادت دور می‌کند؟ جواب این سؤالات آن قدرها هم دور از ذهن نیست. بزرگان دین و مربیان اخلاق پاسخ ما را داده‌اند. قبل از آن‌ها نیز روایت‌های زیادی از ائمه معصومین^(ع)

این طومار بلند، نتیجه پرخوری بود. رسول اکرم (ص) می‌فرماید من از سه خصلت برای اتمم بیم دارم: پرخوری، پرخواهی و پرحرفی. پیرو واقعی و کسی که ادعای مسلمانی می‌شود، هم باید شکمش را نگه دارد و هم زبانش را. اگر توانست این دو را حفظ کند، دینش را حفظ کرده است.

اولین گناه انسان نیز برمی‌گردد به شکم. آنجایی که قرآن کریم در آیه ۱۲۱ سوره مبارکه طه می‌فرماید: «تا بالاخره از آن درخت خوردند و لباس از بدنشان فرو ریخت و عورتشان نمودار شد.» از این آیه این‌گونه می‌توان استنباط کرد که سرمنشأ تمام شهوت‌ها، شکم است و حتی شهوت جنسی نیز از ناحیه شکم ظاهر می‌شود و به دنبال آن، شهوت دنیاطلبی، مال‌دوستی، جاه‌طلبی، غرور، عجب و دیگر صفات رذیله پدید می‌آید. و وقتی انسان جاه‌طلب شد، حسود می‌شود و به ریا و تفاخر مبادرت می‌ورزد که نتیجه آن می‌شود ستمگری. در قرآن کریم می‌خوانیم: خداوند ظالمین را دوست ندارد و چه چیزی بدتر از این‌که خداوند کسی را دوست نداشته باشد.

شنیده‌ایم که مولای متقیان و اصل اخلاق، حضرت علی (ع) فرمود: دو لقمه قبل از سیر شدن، از غذا خوردن دست بکشید و همین دستور کوچک، هدایت‌گر انسان است، اگر بخواید. این سخن به سالک می‌گوید هیچ‌گاه به اندازه‌های شکم را پر نکن که سیر شوی. آدم سیر از گرسنه خبر ندارد و هرچه بلاست از همین سیری و پرخوری عایدت می‌شود.

مرحوم ناصرالدین انصاری قمی در کتاب معروف خود، «غرر الحکم و درر الکلم» بابتی را به نام پرخوری گشوده و روایت‌های متعددی را از امام علی (ع) نقل کرده است که تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل:

پرخوری از زیرکی جلوگیری می‌کند.
پرخوری حکمت و فرزندی را تباه می‌کند.
ادامه پرخوری انواع دردها را به جای بگذارد.
سیر غذا خوردن؛ تبختر به بار آرد و پارسایی را تباه کند.
شکم و عورت خود را نگه دار که بلا و گرفتاری تو در آن دو است.

بپرهیزد از پرخوری که دل را سخت کند و سبب بی‌حالی و سستی در نماز و موجب تباهی بدن شود.
بپرهیزد از پرخوری که هر کس بدان دچار شد؛ در دهانش بسیار خواب‌های آشفته و پریشان شود.
میغوض‌ترین بندگان در پیشگاه خدای سبحان کسی است که اندوهش شکم و عورت اوست.

بپرهیزد از ادامه پرخوری که به راستی این کار دردها را برانگیزد و بیماری‌ها را تحریک کند.
وقتی شکم از مال مباح پر شد، دل از رسیدن به صلاح کور شود.
کم است کسی که غذای بسیار خورد و بیمار نشود.
چگونه پاک و صاف شود فکر و اندیشه کسی که سیری و پرخوری را ادامه می‌دهد.

چه دور است خیر از کسی که اندوهش شکم و عورت اوست.
سیری کمک‌کار خوبی برای گناهان است.
سیری با قیام به واجبات با هم گرد نیایند.
تندرستی و پرخوری با هم جمع نشوند.
شکم آدمی، دشمن اوست.

و به راستی دشمن انسان، شکمش است. که منشأ گناهان دیگر است که اگر کنترل نشود، موجب هلاکت انسان می‌شود و کدام استاد اخلاقی است که از شکم سخن به میان نیاورد و در دستوراتش حرفی از مضرات پرخوری یافت نشود.

از دیگر ائمه نیز احادیث و روایت‌های زیادی نقل شده است که این نشان‌دهنده اهمیت کم‌خوردن در مسیر سعادت است. بر همه کس مبرهن است که هر یک از ائمه اطهار پزشکی حاذق و هر کلامشان دارویی شفابخش بود برای اهل ایمان. امام‌رضا (ع) فرمود: اگر مردم در خوردن به کم بسنده می‌کردند، بدن‌های‌شان متعادل بود و چه دست‌والعملی بهتر از این؟

کدام نماز شبی است که با شکم پر خوانده شود؟ آیا هیچ نماز یومیه دلچسبی هست که با معده سیر خوانده شود؟ امام‌صادق (ع) می‌فرماید: نزدیک‌ترین حالت بنده به خداوند، هنگامی است که شکم وی سبک باشد. هر چه هست، در کم خوردن است.
پیامبر خدا (ص) می‌فرماید: آن که غذا کم خورد، معده‌اش سالم بماند و صفای دل یابد و هر که پرخور باشد، معده‌اش بیمار و قلبش سخت شود.

بسیاری از ما هنگام بیماری به پزشک مراجعه می‌کنیم و بیشتر از او می‌پرسیم: چه بخوریم؟! حال آن‌که طبق فرمایش رسول مکرّم اسلام، علاج بیماری نخوردن است. حضرت در سخنی گهربار می‌فرماید: مادر همه داروها، کم‌خوری است.

بحث را با این کلام ذی‌قیمت از اشرف مخلوقات به پایان می‌بریم. رسول اکرم (ص) می‌فرماید: وقتی اشتها داری غذا بخور و وقتی هنوز اشتها داری دست از خوردن بشوی که عمل به این سخن، سعادت و سرپیچی از آن، شقاوت دنیا و آخرت را به دنبال دارد.

بد نیست به تجربه
خودمان، زمانی که
پرخوری کرده ایم
مراجعه کنیم!

انار



صد دانه یاقوت دسته به دسته با نظم و ترتیب یکجا نشسته

خداوند متعال در هر فصلی میوه‌های متناسب با آن فصل را آفرید تا آدمی بر اساس نیازهای جسمی خود از آن میوه‌ها استفاده کند. محققان طب قرآنی بر این عقیده‌اند که انار به عنوان یک میوه بهشتی، از این جهت در فصل سرما به بار می‌نشیند که فصل خزان درختان و گرفتگی آسمان است و برای جلوگیری از افسردگی و نگرانی، دانه‌های انار بسیار مفید بوده و موجب شادابی می‌شوند.

امام صادق^(ع): بر شما باد انار شیرین. آن را بخورید چرا که هیچ دانه‌ای از آن به معده مؤمنی در نمی‌آید مگر این که بیماری‌ای از آن ریشه‌کن می‌کند و وسوسه شیطان را از او دور می‌سازد.
امام عسکری^(ع): انار بخورید چراکه خون را فرو می‌نشانند و آن را در درون تصفیه می‌کند.

خواص خوردن انار با پیه آن

پیامبر خدا^(ص): انار را با پیه آن (پوست سفید نازک روی انار) بخورید؛ چرا که شست و شو دهنده معده است.
امام علی^(ع): انار را با پیه‌اش بخور چرا که زردی دندان و بدبویی دهان را از بین می‌برد و انسان را پاک می‌کند.

از انار شیرین نیز می‌توان در مواردی مانند: سرماخوردگی، گرفتگی صدا، تقویت روده‌ها، تقویت معده، تقویت ریه، حساسیت، وجود خون در ادرار، مسمومیت، استسقاء، درد گوش، التهاب معده، اسکوربیت، آب ریزش چشم، خارش پوست، تقویت لثه، تصفیه خون، کم‌خونی، اسهال خونی، استفراغ و کم‌اشتهایی استفاده نمود.



چهارده خاصیت مهم انار

خوردن انار با پرده‌های وسط آن، معده را صیقل داده و هوش را زیاد می‌کند. اگر بعد از غذا انار شیرین خورده شود، رنگ چهره زیبا و غذا آسان هضم می‌شود. پودر پوست انار برای التیام زخم‌های کهنه مفید است. دم کرده برگ انار، میگرن را برطرف می‌نماید. انار شیرین برای کسانی که یزقان دارند مفید است، یک ساعت قبل یا بعد از غذا میل شود. انار شیرین سرفه را تسکین می‌دهد و صدا را باز می‌کند. (قابل توجه قاریان و مداحان!) انار شیرین خارش‌های بدن را تسکین می‌دهد. انار شیرین مقوی معده و کبد است. جهت درمان زخم‌های دهان، روزی چندبار آب انار ترش را در دهان نگه داشته و مزمزه نمایید. جهت درمان زخم داخل بینی یا گوشت اضافی روی زخم‌ها، آب انار ترش مفید است. اگر انار با دانه میل شود از صدای شکم جلوگیری می‌کند. خوردن انار موجب نشاط و شادابی شده و غم و اندوه را از بین می‌برد. کسانی که میل به خوردن خاک و چیزی دیگر دارند با خوردن رب انار، این حالت از بین می‌رود. کسانی که کم خون هستند یا احساس خستگی زیاد می‌کنند از دم کرده یا جوشانده برگ انار به عنوان چای استفاده کنند.

توجه: افراط در خوردن انار باعث ناراحتی معده و زبر شدن گلو می‌شود. در ضمن افرادی که مبتلا به ناراحتی ریوی می‌باشند در مصرف انار احتیاط کنند.

آیا می‌دانستید نام
انار «رمان» سه
بار در قرآن آمده
است؟





یه بشکه فنده



زبان

تنبل آباد

قانون اول تنبل آباد می‌گه بهترین راه
جمع کردن نمکی که روی فرش ریخته
اینه که با دست بزنی پخشش کنی!

فضولی!!!

به یه نفر می‌گن اگه نصف دنیا
رو بهت بدیم قول میدی دیگه
فضولی نکنی؟

جواب میده: «اون نصف دیگه رو
به کی میدین!!!»



آقا موشه در نزدیکی سوراخش بازی
می‌کرد که ناگهان چشمش به گربه افتاد.
فوراً رفت داخل سوراخش مخفی شد.
پس از چند لحظه صدای پارس یک سگ
را شنید و با خودش فکر کرد که حتماً
گربه از سگ ترسیده و از آن‌جا رفته
است. از سوراخش که بیرون آمد گربه
جستی زد و او را گرفت. موش با تعجب
از گربه پرسید: پس تو بودی که صدای
سگ در آوردی؟ گربه گفت: آره... آخه
تو این دوره و زمانه اگر دو تا زبان بلد
نباشی، کلاهیت پسِ معرکه است!!!

بهشت

واعظی بالای منبر از اوصاف بهشت می‌گفت
و از جهنم حرفی نمی‌زد. یکی از حاضرین
پای منبر خواست خوش‌مزگی کند، گفت:
ای آقا، شما همیشه از بهشت تعریف
می‌کنید، یک بار هم از جهنم بگویید.
واعظ که حاضر جواب بود گفت: آن‌جا را
که خودتان می‌روید می‌بینید. بهشت است
که چون نمی‌روید لااقل وصفش را بشنوید!

راننده تاکسی

چهار نفر سوار تاکسی میشن، ولی کرایه نداشتن بدن! قرار
گذاشتن به مقصد که رسیدن پیاده بشن و فرار کنن.
وقتی پیاده شدن، چهارتاشون با هم پا به فرار گذاشتن.
رسیدن به یه ساختمون تاریک که همدیگه رو نمیتونستن
بینن.

یکیشون زد رو شونه بغلی، بهش گفت: فکر کن حالا راننده
چه حالی داره! طرف جواب داد: بابا راننده منم، فقط یکی
بگه چی شده!؟





جیب مردم

قاضی: «چرا دستت را در جیب این آقا کردی؟» متهم:
«جناب قاضی! خیال کردم جیب خودم است.» قاضی:
«پس چرا پول‌هایش را برداشتی؟» متهم: «یعنی
می‌فرمایید اختیار جیب خودم را هم ندارم!»

دندان همه کاره!

موارد استفاده از دندان: در بازکن، گره
باز کن، له کردن آجیل، وسیله دفاع
شخصی برای بعضی ها! ناخن گیر و
در آخر هم جویدن غذا!!

کاروان

طرف رفته بود مکه، نه طواف می کرد و
نه نماز میخوند.

بهش میگن جریان چیه؟

میگه: «به ما گفتن همه چی با کاروانه!»



تفاوت نسل ها

برادر زاده ام دیروز گریه کرد براش
تبلت خریدن! من بچه بودم یادمه ۳
ماه گریه می کردم واسم یه شمشیر
پلاستیکی خریدن، آخرشم وقتی شلوغ
می کردم با همون میکوبیدن تو سرم!

نانو!

آیا میدونستید اولین قومی که به فناوری
نانو دست پیدا کردند ما ایرانیها بودیم؟
نانو پنیر، نانو گوجه، نانو خیار... این اواخر
هم نانو فناوری!

هسته خرما

نشسته بودند دور هم خرما می خوردند.

هسته خرماهایش را یواشکی می گذاشت جلوی علی^(ع) بعد از مدتی گفت: «پرخور کسی است که هسته
خرمای بیشتری جلویش باشد». همه نگاه کردند. جلوی علی^(ع) از همه بیشتر بود. علی^(ع) گفت: «ولی من
فکر می کنم پرخور کسی است که خرماهایش را با هسته خورده. همه نگاه کردند. جلوی پیامبر^(ص) هسته
خرمایی نبود.

(کتاب الخزائن، ملا احمد نراقی)

دوستان!

فکر می کنید حد و
مرز شوخی و خنده
کجاست؟

مسابقه ... با جایزه

دوستان خوب! در این شماره هم مثل نشریه قبل، یک مسابقه‌ی ده سوالی داریم. این مسابقه فقط برای قاریان عضو طرح اسوه برگزار می‌شود. شما می‌توانید تا پایان سال ۹۳ پاسخ سؤالات را به ایمیل quranosveh@gmail.com ارسال کنید.

۱. روز فرار شاه از ایران می‌باشد.

الف) ۲۱ بهمن ۵۷ (ب) ۲۶ دی ۵۷ (ج) ۲۲ بهمن ۵۸

۲. دوازدهم بهمن ۵۷ یادآور چه واقعه‌ای است؟

الف) آغاز دهه فجر (ب) پیروزی انقلاب اسلامی (ج) ورود حضرت امام^(ره) به ایران

۳. روایت «مردی از اهل قم به پا می‌خیزد و مردم را به حق فرا می‌خواند...» از کدام معصوم نقل شده است؟

الف) امام صادق علیه السلام (ب) امام کاظم علیه السلام (ج) امام جواد علیه السلام

۴. کدام معصوم با ذکر نام مبارک قائم ایستاده و دستشان را بر روی سرشان قرار می‌دادند؟

الف: امام رضا علیه السلام (ب: امام علی علیه السلام (ج: امام هادی علیه السلام

۵. چرا ما در مقابل هشدارهای قرآن بی تفاوتیم؟

الف: ضعف ایمان (ب: غرور بی‌جا نسبت به رحمت خداوند و شفاعت اولیاء خدا (ج: هر دو مورد

۶. جمله «تا آخر عمر یادت باشد، هر کاری می‌کنی برای خدا بکن!» از کیست؟

الف) امام خمینی^(ره) (ب) رهبر معظم انقلاب^(مدظله) (ج) شیخ رجبعلی خیاط^(ره)

۷. در گرفتن وضو و شستن دست، وظیفه کسی که پوست صورتش از لابه لای موهای صورتش پیدا باشد (مخصوصاً نوجوانان) چیست؟

الف) نیاز به رساندن آب نیست (ب) بهتر است آب را برساند (ج) باید آب را به پوست صورت برساند

۸. اگر موقع مسح کشیدن، سر یا پاها کمی حرکت کنند وضو چه حکمی دارد؟

الف) اشکال ندارد (ب) باطل است (ج) هیچ حکمی ندارد

۹. حدیث (کسی که وضو بگیرد و اعضای وضو را خشک نماید یک حسنه و در صورت خشک نکردن اعضای وضو سی حسنه برای او نوشته می‌شود) از کدام معصوم است؟

الف) امام علی علیه السلام (ب) امام صادق علیه السلام (ج) امام رضا علیه السلام

۱۰. به فرموده رسول اکرم (ص) چه عملی موجب از بین رفتن صفای دل و سختی قلب می‌شود؟

الف: پرخواهی (ب: پرخوری (ج: پرحرفی

ساعت جایزه... ساعت خوش!

برندگان مسابقه نشریه شماره ۱

جالب است بدانید که همه شرکت‌کنندگان در مسابقه نشریه شماره قبل، پاسخ‌ها را صحیح ارسال کرده بودند. ما هم دلمان نیامد قرعه کشی کنیم. بنابراین همه این دوستان را برنده اعلام می‌کنیم. باتوجه به این که این مسابقه صرفاً برای نوجوانان عضو طرح اسوه است، ان‌شاءالله جوایز ایشان در مرحله دوم طرح، به صورت حضوری تقدیم خواهد شد.

برندگان مسابقه پیامکی محرم

همان طور که مطلع هستید، علاوه بر مسابقه مکتوبی که در نشریه شماره یک اجرا شد، در دهه اول محرم هم مسابقه پیامکی برگزار گردید. این مسابقه در قالب احادیثی از امام حسین (ع) بود که بعضی از شما همت کردید و به سؤالات پاسخ دادید. در نهایت از بین پاسخ‌های صحیح رسیده، اسم سه نفر برای هر سؤال، به قید قرعه درآمد و ان‌شاءالله جوایز، در مرحله آتی طرح اسوه تقدیم ایشان خواهد شد.

اسامی برندگان:
موسی الرضا سعیدی
محمدحسین محمدکرمی
محمدرضا زاهدی
مهدی حیدری
محمد مهدی یوسفی
مهدی شیروی
محمد عابدی
مصطفی الوانی
امیرحسین انواری

اسامی برندگان:
قاسم رحمتی (پدر امیرحسین)
علی یوسفی (پدر مهدی)
محسن شیروی (پدر مهدی)
محمدرضا حکمت (پدر محمد مهدی)
خانم سبحانی (مادر سیدحمیدرضا رضوی)
خانم اکبرزاده (مادر بزرگ سالار)
خانم قصری (مادر مهدی شیروی)
امیرمحمد قربانی
محمدرضا زاهدی
محمد صالح بنایی
مهدی حیدری
مهدی اسماعیلی
رضا صفدری
محمدهادی ساجدی
محمدامین بختیاری

یاران اسوه!
خودتان را برای
مرحله بعدی طرح،
آماده کرده‌اید؟



حقیقتاً باید بگویم که اگر مسئولان امور فرهنگی کشور بخواهند مسأله‌ی کودک و نوجوان را آنچنان که هست، مورد اهتمام قرار دهند، من خیال می‌کنم خیلی از آنهایی که مسئولند، از ساعات خوابشان هم خواهند زد تا به این مسأله بپردازند.

امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)